



شدنی نیست: اکوسیستم منتهای اینستاگرام

گزارش تجارت الکترونیک سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد تنها ۳۰ درصد اقتصاد آنلاین از طریق درگاه‌های پرداخت وبسایت‌ها انجام می‌شود. این یعنی ۷۰ درصد آن در بسترهای دیگر از جمله شبکه‌های اجتماعی جاری است... آیا می‌توان به کسب‌وکارهای بزرگی که میلیاردها تومان هزینه بازاریابی در شبکه‌های اجتماعی کرده‌اند، گفت «اشتباه کردید!»

کارنگ، رسانه اقتصاد نوآوری، عواقب و تاثیرات وضعیت فعلی اینترنت بر کسب‌وکارها و اکوسیستم نوآوری کشور را بررسی کرده است



چه دوست داشته باشیم، چه نه...

زیرساخت ارتباطی بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ روی واتس‌آپ تعریف شده است. چه دوست داشته باشیم، چه نه حیات صدها هزار کسب‌وکار خرد به دسترسی به شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام وابسته است؛ از جمله بیش از ۸۰ درصد کسب‌وکارهایی که اینماد گرفته‌اند.



وضعیت فعلی اینترنت و برخی سرویس‌های بین‌المللی به عنوان زیرساخت اقتصاد دیجیتال می‌تواند همه آنچه را در ۱۵ سال گذشته به عنوان اقتصاد نوآوری ساخته‌ایم، بر باد دهد. بسیاری از ارتباطات کسب‌وکاری مختل شده و هیچ‌کس به درستی نمی‌داند این وضعیت خاکستری در حوزه زیرساخت آی‌تی کشور کی و چگونه برطرف می‌شود.

دو هفته گذشته یک شوک بی‌سابقه برای زیست آنلاین ایرانی‌ها بوده است.

هزاران کسب‌وکار خرد در خطرند؛ ریزش ۹۰ درصدی تجارت اجتماعی!

درخواست‌های صنعتی برای رفع محدودیت‌ها

نصر تهران و انجمن تجارت الکترونیک در بیانیه‌های مجزایی از دولت مردان درخواست کردند وضعیت اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را عادی کند.

ریزش ۵۰ درصدی حجم تراکنش پرداخت‌پارها

آمارهایی از تاثیر وضعیت اینترنت بر شبکه پرداخت از زبان نشی فعال اکوسیستم پرداخت



عیسی زارع‌پور می‌گوید برخلاف عکس‌خندانش، از وضعیت فعلی اینترنت خوشحال نیست و پیگیر رفع محدودیت‌هاست، اما مدام تأکید می‌کند که کار چندانی از دستش ساخته نیست! چرا وقتی بحث نظارت و مجوزدهی برای آنلاین‌ها می‌شود همه در صف مقدم‌اند، اما در روزهای تنگ اینترنت، کسی مسئولیت برعهده نمی‌گیرد؟



وزیر منفعل؟





انجمن تجارت الکترونیک و سازمان نصر تهران بیانیه دادند توسعه اقتصاد دیجیتال بدون دسترسی به اینترنت ممکن نیست

در روزهای گذشته، انجمن تجارت الکترونیک و سازمان نصر تهران در واکنش به محدودسازی اینترنت و فیلترینگ بیانیه دادند.

انجمن تجارت الکترونیک در بیانیه‌ای با ابراز نگرانی از محدودسازی اینترنت شبکه‌های اجتماعی اعلام کرده که قطع دسترسی به اینستاگرام، بیش از ۴۰۰ هزار کسب‌وکار را با خطر نابودی مواجه کرده و امرار معاش بیش از یک میلیون نفر را با مشکلات جدی روبه‌رو کرده است. این انجمن تأکید کرده تصمیم‌هایی که در این خصوص گرفته می‌شود، تیشه به ریشه اقتصاد دیجیتال کشور زده و سبب ایجاد نارضایتی در بین پرسنل کسب‌وکارها و در نهایت اعتصاب بخشی از کارکنان این شرکت‌ها می‌شود.

در ادامه انجمن با اعتراض به محدودسازی اینترنت در بیانیه خود نوشته است: «اکنون که بار دیگر تیغ تحریم داخلی (فیلترینگ) را در فضای مجازی تجربه می‌کنیم، بیش از همیشه نگران آینده صنعت تجارت الکترونیک در کشور هستیم. انجمن تجارت الکترونیک وظیفه خود می‌داند هم‌سو با نظر اکثریت شرکت‌های عضو این تشکل، اعتراض خود را به فیلترینگ و محدودیت‌های اعمال شده بر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اعلام کند.»

به باور نویسندگان این بیانیه، فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی، برخورد قهری با کاربران این فضا و ده‌ها تصمیم اشتباه دیگر، نه تنها تیشه به ریشه تجارت الکترونیک کشور می‌زند، این بار موجی از نارضایتی را نیز بین پرسنل

شرکت‌ها و کسب‌وکارهای فناور پدید آورده و باعث اعتصاب بخشی از کارکنان این شرکت‌ها شده است.

سازمان نظام صنفی رایانه‌ای تهران نیز پیش‌تر در بیانیه‌ای اعلام کرده بود که توسعه اقتصاد دیجیتال و در نظر گرفتن اهداف توسعه‌ای در این زمینه با قطع اینترنت ممکن نیست. همچنین در این بیانیه تأکید شده در شرایطی که در حال حاضر نیازمند جلب اعتماد مردم هستیم، قطع اینترنت به اعتماد کاربران لطمه می‌زند.

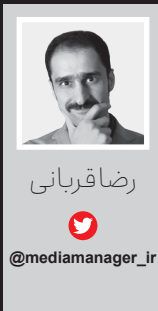
در این بیانیه آمده است: «میلیون‌ها نفر برای ارتباط با عزیزان شان به این ابزارها وابسته هستند. میلیون‌ها نفر برای سرگرمی و آموزش و کسب اخبار و اطلاعات به اینترنت مراجعه می‌کنند؛ بنابراین مسدود یا محدود کردن اینترنت تنها موجب سلب اعتماد از شهروندان خواهد شد. همچنین کسب‌وکارهای بسیاری برای تداوم فعالیت خود نیازمند اطمینان از کارایی و پایداری اینترنت کشور هستند. چگونه می‌شود اقتصاد دیجیتال داشت، وقتی نمی‌توان از دسترسی مستمر به اینترنت مطمئن بود؟»

در انتهای این بیانیه ضمن بیان اینکه اعضای هیئت‌مدیره نصر تهران در جلسه فوق‌العاده‌ای به بررسی لطمات و ضرر و زیان‌های وارد شده به کسب‌وکارها به دلیل قطعی اینترنت خواهند پرداخت، آمده است: «سازمان نظام صنفی رایانه‌ای استان تهران مصرانه از نهادهای مسئول می‌خواهد دسترسی به اینترنت را به وضعیت طبیعی برگردانند.»

ایجاد محدودیت‌های گسترده در دو هفته گذشته چگونه باعث مرگ اقتصاد دیجیتال در ایران می‌شود؟

اقتصاد دیجیتال منهای اینترنت؟!!

بزرگ‌ترین پلتفرم تجارت اجتماعی تبدیل شده بود. همین موضوع در نهایت باعث شد که بسیاری از مکاتبات و ارتباطات غیرتجاری هم بر بستر اینستاگرام جلو بروند. در نهایت قطع ناگهانی این پلتفرم در دو هفته گذشته باعث ایجاد شوک به بخش مهمی از جامعه شد؛ چه آنهایی که فروشنده بودند، چه آنهایی که خریدار.



رضاقربانی

@mediamanager_ir

در کمال تعجب پاسخ بسیاری از مسئولان و مدیران مرتبط این بود که آنها مسئولیتی در این زمینه ندارند و کسی که در حاشیه رودخانه خانه ساخته باید فکر

این روز را هم می‌کرده است! باورکردنی نیست که در شرایطی که ایران با بحران اشتغال روبه‌رو است و تقریباً تمام طرح‌های رسمی نتیجه اثر بخشی نداشته‌اند، با یک تصمیم کل پلتفرم مورد استفاده تجارت اجتماعی در ایران نابود می‌شود. آن گونه که از شنیده‌ها به نظر می‌رسد اراده‌ای نیز برای باز کردن اینستاگرام وجود ندارد. بسیاری از مدیران دولتی شبکه‌های اجتماعی و به‌طور کلی فضای مجازی را علت بسیاری از مشکلات می‌دانند. آنها تصور می‌کنند اگر شبکه‌های اجتماعی نبودند یا شبکه‌های اجتماعی ایرانی و پلتفرم‌های ایرانی توسعه پیدا کرده بودند، امروز به چیزی هم اعتراض نمی‌شد.

حالا و در این شرایط آنچه به شدت تحت تأثیر قرار گرفته، مفهوم اقتصاد دیجیتال

به‌طور خاص و مفهوم توسعه به‌طور عام است. اقتصاد دیجیتال ایران در یک دهه گذشته تقریباً تنها بخشی بوده که به‌طور پیوسته رشد کرده است. البته این رشد در یک سال گذشته به گواه آمارهای مرکز توسعه تجارت الکترونیکی به‌شدت کند شده، ولی حتی در یک سال گذشته هم ما شاهد توسعه این بخش بوده‌ایم. این در حالی است که سایر بخش‌های اقتصاد ایران یا درازده‌اند یا دچار رشد منفی شده‌اند. تقریباً کسی نیست که در فرصت‌های اقتصاد دیجیتال شک داشته باشد. به همین دلیل برخی گفته‌اند که ایجاد محدودیت برای اینترنت به آسیب‌رسیدن به اقتصاد دیجیتال منجر می‌شود. من معتقدم که ما بر سر مفهوم اقتصاد دیجیتال توافق نداریم. آنچه من از اقتصاد دیجیتال درک می‌کنم، صرفاً توسعه ابزارهای مبتنی بر فناوری اطلاعات نیست؛ به عبارتی اینکه در کسب‌وکارها از ابزارهای فناوری اطلاعات استفاده شود، بخش کوچکی از اقتصاد دیجیتال است. از منظر من اقتصاد دیجیتال اقتصادی مبتنی بر فناوری است که در آن مرزها

در شرایطی که ندانستن‌های ما زیاد است و تناقض‌ها سر برآورده‌اند، چه باید گفت؟ در دو هفته گذشته شاهد ایجاد محدودیت‌های گسترده

برای اینترنت بودیم. تقریباً کسی نیست که به‌نوعی تحت تأثیر این محدودیت‌ها قرار نگرفته باشد. از نظر بسیاری اینترنت در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌هایی مانند اینستاگرام، واتس‌آپ و تلگرام خلاصه شده است. میزان ترافیک مصرفی این سه نیز نشان می‌دهند که بخش زیادی از مردم اینترنت را از درجه این سه اپلیکیشن می‌شناسند. با وجود

فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی مانند لینکدین، گوگل چت، وایبر و حتی بازی‌هایی مانند کلش آف کلنز و کنسول‌هایی مانند ایکس باکس به نظر می‌رسد سهم سه اپلیکیشن اول بیشتر به چشم عموم مردم می‌آید. در دو هفته اخیر از ساعت ۴ بعدازظهر تا ساعت ۱۲ شب اینترنت بین‌الملل به‌طور کامل قطع بود و حتی دسترسی به موتورهای جست‌وجویی مانند گوگل هم ممکن نبود. فیلترینگ تقریباً به‌طور کامل از کار افتاده‌اند و از ساعت ۴ بعدازظهر تا ۱۲ شب عبور از فیلترینگ کار آسانی نیست. بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک دچار شوک شده‌اند و جدا از ریزش ترافیک‌ها و درآمدها، آینده برای بسیاری از فعالان اقتصادی مبهم‌تر از همیشه شده است.

تقریباً کسی را نمی‌شود پیدا کرد که در دو هفته گذشته تحت تأثیر تصمیمات ایجاد محدودیت قرار نگرفته باشد. با اینکه بارها و بارها گفته شده بود اراده‌ای بر فیلترینگ اینستاگرام وجود ندارد و حتی طرح‌هایی مانند صیانت به دنبال ایجاد محدودیت نیستند و هدف‌شان فیلتر اینستاگرام نیست، اما در شرایط بحران اولین تصمیمی که گرفته شد، ایجاد محدودیت برای اینستاگرام بود. اینستاگرام به‌دلیل اینکه در سال‌های گذشته یگانه شبکه اجتماعی قابل دسترس در ایران بود، به نقطه مهمی تبدیل شد. ایجاد محدودیت برای شبکه‌های اجتماعی دیگر به معنای فروش قرمز انداختن زیر پای اینستاگرام بود. مردم برای فعالیت اقتصادی هیچ ابزار قابل دسترسی نداشتند و نمونه‌های وطنی نیز توان پاسخگویی به حجم تقاضاهای روبه‌افزایش مردم را نداشتند. در جهان به‌دلیل وجود شبکه‌های اجتماعی متعدد و انواع پلتفرم‌ها رقابت جدی بین این ابزارها وجود دارد و کسی نمی‌تواند شبکه اجتماعی مسلط باشد، در ایران اما اینستاگرام به‌تنهایی به



شماره ۶۷
مهر ۱۴۰۱
سال دوم



شماره ۶۷ | مهر ۱۴۰۱ | سال دوم | کارنگ؛ هفته‌نامه اقتصاد نوآوری ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مینا والی
سردبیر: رضا جمیلی

مدیرهنری: روح‌اله گیتی‌نژاد
مدیرفنی: علیرضا کیوان
صفحه‌آرا: حمید ابراهیمی بسابی
عکس: حامد کریم‌زاده، نسیم اعتمادی
پریمیر: امیرحاجلو
سایت: راضیه مینایی
چاپ: هنر سرزمین سبز
نشانی: تهران، جنت‌آباد جنوبی، خیابان لاله غربی، خیابان حدیث، کوچه حدیث دوم، پلاک ۸
تلفن تحریریه: ۴۶۰۱۲۲۰۴
وبسایت: karangweekly.ir

دبیر تحریریه: المیرا حسینی
تحریریه: مهران امیری،
عبدالله مقدمی، سپیده اشرفی
پارسا خاک‌نژاد، ترانه احمد دوست
منیره شاه‌حسینی، زهره دودانگه
ویراستار: یلدا شایسته‌فر



توکن مهسا امینی در بستر بایننس اسمارت چین اسکمرهای کریپتو به مهسا امینی هم امان ندادند

است. به نظر می‌رسد توکن مهسا امینی یک شبکه پرداخت مالی غیرمتمرکز است و برای تسهیل پرداخت‌های قابل برنامه‌ریزی و توسعه زیرساخت‌های مالی باز، از سبدهی از استیبل کوین‌های فیات استفاده می‌کند. از دسامبر ۲۰۲۰، این شبکه حدود ۲۹۹ میلیارد دلار برای بیش از دو میلیون کاربر معامله کرده است. بستر بایننس اسمارت چین سابقه خوبی در پروژه‌های شفاف ندارد و پیش از این هم چندین پروژه رمزآزای اسکم روی این بستر شناسایی شده بود. توکن تتلو و توکن اسکویید گیم نیز روی همین بستر بود.

اسکمرها در فضای بلاکچین، این بار برای سوءاستفاده به سراغ احساسات به غلیان درآمده جامعه جهانی رفته و توکنی به نام مهسا امینی در بستر بایننس اسمارت چین منتشر کرده‌اند. گفته می‌شود این پروژه سرمایه‌گذاری ۱۲ هزار دلاری دارد و یک تریلیون توکن برای آن در نظر گرفته شده است. برای این توکن در سایت «کوین مارکت کپ» هیچ پروفایلی در شبکه‌های اجتماعی ثبت نشده و سپیدنامه‌های هم ارائه نشده است. در حال حاضر دو توکن با نام‌های Mahsa Amini در دو بستر بایننس اسمارت چین (BSC) و اتریوم (ERC20) در حال انتشار است. توکنی که در بستر اتریوم است، در تاریخ چهارم مهرماه منتشر شده و توکن بستر بایننس هم تقریباً در همین بازه زمانی بوده



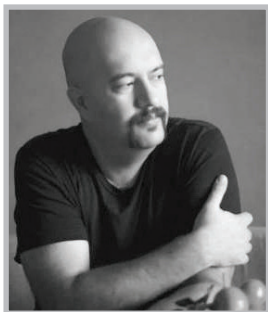
مرزیه امیری

marzami3@gmail.com



شماره ۶۷
مهر ۱۴۰۱
سال دوم

یاد آرش عاشوری نیا



در هفته گذشته، آرش عاشوری نیا عکاس با سابقه مطبوعاتی و از همکاران ما در مجموعه راه‌کار در اثر سانحه‌ای تلخ، دار فانی را وداع گفت. درگذشت این چهره مطبوعاتی را به خانواده او به‌ویژه همسر داغدارش تسلیت می‌گوییم و برای خویشان و دوستانش آرزوی صبر داریم. یادش گرامی...

دوستان و همکاران عزیز

با نهایت ادب و احترام و در کمال تواضع و ارادت بدین وسیله از شما سروران، دوستان و همکاران گرامی که در مراسم تدفین و ترحیم مادرمان، شادروان بانو پروانه وفاکیش شرکت نمودید و با ابراز همدردی، ارسال تاج گل، بنر، تماس تلفنی و پیام موجب تسلی خاطرمان شدید، صمیمانه تشکر و سپاسگزاری می‌کنیم. امید است در شادی، محبت‌های شما بزرگواران را پاسخگو باشیم.

در پناه خداوند و کنار عزیزان‌تان تمام ثانیه‌هایتان سرشار از مهر و محبت و سلامتی باشد.

خانواده قاصر



همان‌هایی که می‌توانستند از ایران بروند و مشمول مهاجرت نخبگان شوند. آنها در شرایطی در ایران فعالیت می‌کنند و همه محدودیت‌ها را هم قبول کرده‌اند که تنها راه ارتباطی آنها با جهان هم بسته شده است. یک سؤال ساده این است که چرا باید ادامه داد؟ به نظر می‌رسد این خواسته‌ای است که دشمنان ایران دارند؛ به راستی آنها چقدر باید تلاش می‌کردند تا امید را در ایران نابود کنند؟

حالا در این شرایط ممکن است برخی از این ایده دفاع کنند که اقتصاد دیجیتال منتهای اینترنت هم ممکن است. مثلاً ما می‌توانیم مشابه همه ابزارهای بین‌المللی را بسازیم. تجربه چین و روسیه هم جلوی این دوستان قرار دارد؛ غافل از اینکه در نهایت با بستن، ایران را مانند فردی می‌کنیم که دست و پا بسته جلوی کسب‌وکارهای چینی و روسیه‌ای انداخته‌ایم! اگر محدود کردن پلتفرم‌های دیگر در ایران انداختن فرش قرمز زیر پای اینستاگرام بود، این کارها و شعارها انداختن فرش قرمز زیر پای کسب‌وکارهای چینی و روسی است.

از گذشته می‌گفتند ملتی که نتواند لباس خودش را بدوزد، در نهایت یک جایی شکست می‌خورد و محکوم به نابودی است؛ راستی حکم ملتی که نتواند نیازهای خودش را در حوزه فناوری برآورده کند، چیست؟ بستن و ایجاد محدودیت و سنگ انداختن جلوی پای کسب‌وکارهای فعال ایرانی یک چیز است، ایجاد محدودیت و دامن زدن به ناامیدی و جلوی تولد هزاران کسب‌وکار مفید در آینده را گرفتن چیزی دیگر و در نهایت انداختن فرش قرمز به زیر پای پلتفرم‌ها و کسب‌وکارهای دست‌چند خارجی موضوعی دیگر. چگونه می‌توانستیم کاری کنیم که این سه در یک جا همگرا شوند؟

کسب‌وکارهای استارت‌آپی کسب‌وکارهایی مبتنی بر اعتماد بوده و هستند و در شرایطی که کشور با بحران اعتماد دست به گریبان است، این کسب‌وکارها و این اقتصاد دیجیتال دریچه‌هایی به روی مردم باز کرده بودند. حالا با بستن این دریچه‌ها چگونه انتظار داریم اقتصاد ایران رشد کند؟ چه کسی پاسخگوست؟

بی‌معنا می‌شود و می‌توان از فرصت تبادل و تعامل با جهان به‌صورت پیوسته بهره‌برداری کرد. این اقتصاد مبتنی بر روش‌هایی متفاوت است. در این چهارچوب فکری مفاهیمی مانند جابک عمل کردن، چرخه‌های انجام، خطا و یادگیری باعث رشد مفاهیمی مانند استارت‌آپ‌ها شدند. در جهان استارت‌آپ‌ها ندانستن یک اصل است و آنچه اهمیت دارد، انجام دادن است. بر خلاف دنیای سنتی در استارت‌آپ‌ها کوچک شروع می‌کنند و با چرخه‌های یادگیری تلاش می‌کنند بهترین راه انجام و ساختن را پیدا کنند. در این شرایط هیچ موضوع مطلق وجود ندارد و هر کسب‌وکار موفق می‌تواند با یک خطا از چرخه خارج شود. رقابت در این فضا حرف اول را می‌زند و مشتری پادشاه است. در نهایت همه چیز در خدمات مشتریان و تجربه کاربری است. این مفهومی است که من از اقتصاد دیجیتال در ذهن دارم و این مفهوم مبتنی بر چیزی است که ما نامش را نوآوری باز گذاشته‌ایم. نوآوری باز را نمی‌توان تفسیر به رأی کرد و هر طور که خواستیم آن را پیاده کنیم. وقتی اینترنت را که مانند برق برای صنعت است، قطع و وصل می‌کنیم و در آن اختلال ایجاد می‌کنیم، یعنی راه توسعه را بسته‌ایم.

برداشتی که از اقتصاد دیجیتال منتهای اینترنت آزاد می‌کنم، پیاده‌کردن همان چیزی است که امروز به حد کمال در صنعت خودروسازی پیاده شده؛ صنعت خودروسازی ما در شرایطی فعالیت می‌کند که راه هرگونه ارتباط با جهان بسته شده است. نه کسی می‌تواند واردات خودروهای ارزان و با کیفیت روز جهان به ایران را انجام دهد و نه جز در چند کشور همسایه، آن هم به مدد یارانه خودروهای ایرانی خریدار دارد. در این شرایط همه شاکی هستند؛ خودروساز سود نمی‌کند، مردم ناراضی هستند، حاکمیت و دولت رضایت ندارند و آنچه قربانی می‌شود، تجربه کاربری مردم است. در نهایت کیفیت زندگی کاهش پیدا می‌کند و مردم با جان‌شان در جاده‌ها تاوان این اشتباهات را می‌دهند.

اگر اقتصاد دیجیتال در یک دهه گذشته رشد کرده، به واسطه ارتباط با جهان بوده است. امروز شاهد نسلی هستیم که در کسب‌وکارهای استارت‌آپی فعالیت می‌کنند؛ تقریباً



فارغ از سیاست گذاری های کلان کشوری، اکوسیستم نوآوری کشور در قبال مطالبات زنان چه مسئولیتی دارد؟ نقش حاکمیت و کسب و کارها در پاسخ به مطالبات زنان

مطالبات زنان ویژگی بارز اعتراضات چند هفته گذشته در کشور بود. این بار برخلاف گذشته زنان نقشی پررنگ تر در اعتراضات داشتند. مروری بر وضعیت زنان در کشور نشان می دهد که دیر یا زود باید منتظر مطالبات جدی زنان ایرانی می بودیم. در حالی که طی دهه های گذشته زنان ایرانی توانسته اند در شاخص هایی فاصله خود را با مردان کاهش دهند، هنوز هم در برخی شاخص ها مقاومتی برای بهبود وضعیت زنان وجود دارد. یکی از این شاخص ها حضور اقتصادی زنان است. وقتی میزان مشارکت زنان در تحصیلات دانشگاهی تقریباً با مردان برابری می کند، در حالی که نرخ مشارکت اقتصادی زنان در کشور تنها ۱۷ درصد است، نشان از این دارد که یک جای کار خیلی می لنگد.

در کنار مسائلی مانند تقاضای پایین برای زنان در بازار کار و نگاه فرهنگی که به مشارکت پایین زنان در اقتصاد منجر می شود، دولت ها نیز هیچ وقت تلاشی برای از بین بردن موانع حضور زنان در کار و اقتصاد نکرده اند. در حالی که بهبود شرایط زنان یکی از اولویت های اصلی در برزنگاه های انتخاباتی است، اما در عمل سیاست ها و قوانین به نفع حذف این بخش از جامعه از فعالیت اقتصادی است. نگاهی به قوانین حمایت از مادران در محیط کار و بخشنامه های گاه و بیگاه دولت ها مبنی بر کاهش ساعات کار زنان نشان از این دارد که اولویت اول حاکمیت برای زنان اداره امور خانواده است و هیچ گاه این بخش از جامعه به عنوان یک فعال اقتصادی جدی گرفته نشده است.

متأسفانه شیوه پاسخگویی به مطالبات زنان نیز نه تنها نتوانسته نتایج مثبتی داشته باشد و به بهبود شرایط بانوان بینجامد؛ بلکه مانعی جدید بر سر راه توسعه اقتصادی زنان بوده است. محدودیت اینترنت در هفته های اخیر، فیلترینگ اینستاگرام و واتس اپ نه تنها در کوتاه مدت و به صورت سطحی نتیجه ای ندارد، بلکه در بلندمدت نیز نتایج منفی آن بیشتر خواهد بود. گرچه کاربران ایرانی طی این سال ها یاد گرفته اند چگونه از سد فیلترینگ ابزارهای ارتباطی عبور کنند، اما همان طور که عده های منتشر شده توسط کسب و کارهای تجارت اجتماعی و پرداخت یارها نشان می دهد، در این مدت محدودیت ها ضربه جدی به اقتصاد دیجیتال زده اند. همین ضربه به اقتصاد دیجیتال که پتانسیل افزایش مشارکت اقتصادی زنان را دارد، خود به کاهش سهم اقتصادی زنان و سرخوردگی بیشتر آنها منجر خواهد شد و این یعنی تقویت یکی از عواملی که

به شکل گیری این روزها و اتفاقات متعاقب آن انجامیده است. وقتی به دلایل گوناگون شرایط حضور بیشتر زنان در محیط کار توسط حاکمیت و کسب و کارهای مختلف تعریف یا مساعد نشده است، چرا باید بستری چون اینستاگرام که امکان مشارکت اقتصادی زنان را در سال های اخیر به شکلی خیره کننده افزایش داده این چنین محدود شود؟! آیا چنین رویکردی در قبال یک شبکه اجتماعی که کارآفرینی و اشتغال زایی زنان را در غیاب مشوق ها برای حضور پررنگ تر زنان در عرصه اقتصاد بهبود داده، به افزایش نارضایتی این بخش از جامعه منجر نخواهد شد؟

در اعتراضات اخیر شاهد واکنش هایی از سمت کسب و کارهای اقتصاد دیجیتال کشور بودیم. ابراز همدردی و انتشار بیانیه های متعدد شرکت ها و نهاد های صنفی، واکنش های رسمی آنها به وقایع اخیر بود. گرچه این کسب و کارها در پاسخ به انتظاری که مردم از آنها دارند، واکنش هایی نشان دادند، اما با توجه به روح اعتراضات که تمرکز آن بر مطالبات زنان است، به نظرم یکی از مؤثرترین اقدامات کسب و کارها می تواند کمک به بهبود شرایط زنان در محیط کار باشد. این سال ها برخی کسب و کارها با اتهاماتی از جنس تبعیض جنسیتی و آزار جنسی در محیط کار مواجه بوده اند و شاید فارغ از توقعاتی که از حاکمیت برای دادن پاسخ درست و در پیش گرفتن تدبیر عقلانی در این برهه از زمان وجود دارد، این روزها فرصتی مناسب برای شنیدن مطالبات زنان و پاسخ مثبت دادن به صدای آنها از سوی کسب و کارها هم باشد. گرچه در این ایام گفتمان حمله به کسب و کارها صدایی بلند داشت و در این فضا که منطق کمرنگ شده، ممکن است کسب و کارها با اولویت های دیگری مواجه باشند، اما انتظار منطقی از کسب و کارها این است که در عمل نشان دهند خواسته های زنان برای آنها اهمیت دارد.

مرور تجربه های گذشته در جهان نشان می دهد که با گذشت زمان واکنش کسب و کارهای بزرگ در برابر حوادث تحلیل خواهد شد؛ همان طور که در جنبش «زندگی سیاهان مهم است» در آمریکا اتفاق افتاد. با اینکه آمازون و گوگل از این جنبش حمایت کردند، منتقدان در سیلیکون ولی می گفتند درون این شرکت ها تبعیض نژادی وحشتناکی وجود دارد. بنابراین آنچه از کسب و کارها برمی آید این است که بیش از گذشته به بهبود شرایط کار زنان و پررنگ شدن نقش آنها کمک کنند.



محدودیت دسترسی به اینستاگرام، صدها هزار کسب و کار خرد را در خطر نابودی قرار داده است

ریزش ۹۰ درصدی تجارت اجتماعی!

از عیسی زارع پور، وزیر ارتباطات گرفتند: «اغتاشا شرگان باید پاسخگوی خسارت کسب و کارهای مجازی باشند.»

خسارت ۵۰ میلیون تومانی به هر فروشگاه اینترنتی در هفته گذشته

در همین راستا در ادامه این گزارش به آماری که کم و بیش از کسب و کارهای این حوزه منتشر می شود، پرداخته ایم. به گفته پشوتن پورپزشک، مدیرعامل پادرو، از زمان شروع قطعی ها و فیلترینگ، مجموع فروش ۱۰ فروشگاه اول پادروشاپ که زیرساخت فروش آنلاین برای فروشندگان شبکه های اجتماعی را ایجاد می کند، با ۸۷ درصد کاهش روبه رو بوده و هر یک از این فروشگاه ها تنها طی یک هفته گذشته دچار دست کم ۵۰ میلیون تومان خسارت مالی شده اند.

پورپزشک در پاسخ به خبرنگار راه پرداخت توضیح داد: «طی دو روز (آخرین پنجشنبه و جمعه شهرپورماه یعنی زمانی که محدودیت دسترسی روی این شبکه ایجاد شد)، بازدید از فروشگاه های اینستاگرامی فعال در پادروشاپ

روزهای آخر تابستان امسال در پی اعتراضات مردمی به مرگ مهسا امینی و بعد از گذشت دو سال و اندکی از قطعی گسترده اینترنت در آبان ۱۳۹۸، اینترنت دوباره با محدودیت هایی مواجه شد. در پی این محدودیت ها اپلیکیشن هایی نظیر واتس اپ، اینستاگرام، لینکدین، اسکایپ، و ایبر iMessage فیلتر و از دسترس خارج شدند. علاوه بر اینها از روز پنجشنبه پروژه طرح صیانت که از مدت ها پیش زرمه اجرایی شدن آن به گوش می رسید، در ساعات مشخصی از روز اجرایی شده و در این روزها به غیر از وبسایت ها و اپلیکیشن های داخلی هیچ گونه ارتباطی با فضای بین المللی امکان پذیر نیست. این وضعیت به غیر از ایجاد محدودیت در ارتباطات آزاد، کابوس همیشگی کسب و کارهای کوچک و متوسطی بود که «اینترنت» شریان اصلی تنفس آنهاست. کسب و کارهایی که حتی در بدترین شرایط اقتصادی، تجارت الکترونیک را راهی برای ادامه حیات یا حتی تولد خود دیده بودند، چند روزی است که از افتادن خود را به نظاره نشسته اند و در ازای مطالبات خود این پاسخ را



شماره ۶۷
۱۰ مهر ۱۴۰۱
سال دوم



مشابه داخلی فراهم می‌شود. در همین راستا مدیرعامل پادرو در پاسخ به سؤال خبرنگار راه پرداخت مبنی بر امکان استفاده کسب‌وکارهای آنلاین از پلتفرم‌های داخلی توضیح داد: «در شرایط کنونی، این امر امکان‌پذیر نیست؛ چراکه اساساً زیرساخت و امکانات کافی برای رشد کسب‌وکارها بر بستر این پلتفرم‌ها وجود ندارد.»

آمار منتشرشده از اوضاع کسب‌وکارهای آنلاین در شرایط قطعی اینترنت و فیلترینگ اینستاگرام بسیار نگران‌کننده است. طبق گزارشی که پیش‌تر در راه پرداخت منتشر شد، کسب‌وکارهای خردی که به غیر از اینستاگرام راه دیگری برای فروش محصولات خود و کسب درآمد نداشتند، آسیب بیشتری دیده‌اند و کسب‌وکارهایی که علاوه بر صفحه اینستاگرامی از طریق وبسایت و اپلیکیشن هم فعالیت می‌کنند، وضعیت بهتری نسبت به سایرین دارند. دسترسی افراد به اینترنت به دلیل پیوندی که با حقوق و آزادی‌های افراد و تأمین منافع و نیازهای آنان دارد، به یکی از موضوعات مهم در حوزه حقوق ارتباطات تبدیل شده است. این در حالی است که با وجود ضریب نفوذ بالای اینترنت در کشور در نظام حقوقی ما وضعیت این حق چندان روشن نیست و در شرایطی مثل وضعیت حال حاضر، اینترنت به راحتی محدود می‌شود.

طبق گزارش‌های مرکز آمار، ۶۵ درصد افراد بالای ۱۵ سال ایرانی عضو شبکه‌های اجتماعی هستند و ۲۰ درصد از آنها از این طریق کسب درآمد می‌کنند. مؤسسه پژوهشی بتا نیز تعداد کسب‌وکارهای اینستاگرامی در ایران را یک میلیون و ۷۰۰ هزار کسب‌وکار تخمین زده و گفته درآمد ۹ میلیون نفر به صورت مستقیم به اینستاگرام وابسته است.

علاوه بر کسب‌وکارهایی که مستقیماً در فضای آنلاین فعالیت می‌کنند، با ایجاد محدودیت در اینترنت بسیاری از کسب‌وکارهایی که درآمد خوبی از تبلیغات در این فضا داشتند با مشکلات اساسی مواجه شده‌اند.

ضرر و زیان کسب‌وکارها از مسیرهای مختلف

امیر حق‌رنجبر، مدیرعامل لندو نیز در گفت‌وگو با راه پرداخت اعلام کرد که از زمان ایجاد محدودیت در اینترنت آمار درخواست‌های جدید دریافت وام و اعتبار ۵۰ درصد کاهش داشته است. به گفته او آمار پرداخت اقساط هم تا حدودی تحت تأثیر قرار گرفته و کاهش ۱۰ درصدی داشته است. مدیرعامل لندو با بیان اینکه

روند کاهش ثبیت درخواست جدید در لندو دو دلیل عمده دارد، توضیح داد: «بخشی از روند کاهش ثبیت درخواست جدید در لندو مربوط به قطعی اینترنت بین‌المللی است و دلیل دیگر آن این است که در حال حاضر تقریباً تمام فعالیت‌های تبلیغاتی ما در لندو متوقف شده است. سیاست ما در شرایط فعلی جامعه، فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی و توقف فعالیت بسیاری از صفحات در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام از

دلایل عمده کاهش فعالیت‌های تبلیغاتی ماست.» حتی اگر حقوق همه افرادی را که خواهان دسترسی به اینترنت بین‌المللی هستند، نادیده بگیریم و با عینک کسب‌وکاری به ماجرا نگاه کنیم، آمار منتشرشده از خسارات وارده به کسب‌وکارهای دیجیتال در همین مدت ۱۴ روز و نظرات کارشناسان حوزه اقتصاد دیجیتال در خصوص عدم امکان انتقال کسب‌وکارهای تجارت الکترونیک به پلتفرم‌های داخلی نشان می‌دهد که در صورت تداوم شرایط فعلی، کسب‌وکارهای اینترنتی زیادی هستند که شانس چندان برای زنده ماندن نخواهند داشت. آن وقت اقتصاد دیجیتال می‌ماند و وعده و وعیدهای سهم ۱۰ درصدی در تولید ناخالص داخلی کشور.

۹۷ درصد کاهش پیدا کرد و با کاهش بازدید، فروش این فروشگاه‌ها نزدیک به صفر شد.»

او با بیان اینکه این اولین بار نیست که این‌گونه از محدودیت‌ها باعث کاهش فروش و بازدید فروشگاه‌های اینستاگرامی می‌شود، توضیح داد: «مردادماه سال جاری هم با قطع یک‌روزه دسترسی به اینترنت که گفته شده بود به دلیل مشکلات زیرساختی است، فروشگاه‌های فعال اینستاگرامی طی یک روز ۳۵ درصد از بازدید و بین ۱۰ تا ۵۰ درصد فروش خود از طریق اینستاگرام را از دست دادند.»

مدیرعامل پادرو توضیح داد: «در آن زمان در توییت پادرو هم اعلام کردیم که با وجود رشد ۲۵ درصدی تعداد فروشندگان فعال در پلتفرم پادرو شاپ، در مرداد مجموع فروش انجام‌شده توسط فروشندگان در پادرو فقط ۱۰ درصد رشد کرد؛ این در حالی بود که با بررسی تک‌به‌تک ۱۰ فروشگاه برتر در تیرماه و مقایسه بازدید همان فروشگاه‌ها در مردادماه، بازدید آنها تا ۳۵ درصد کاهش یافت. این کاهش

با وجود افزایش فعالیت‌های بازاریابی این فروشگاه‌ها از ابتدای مرداد با شروع اختلالات اینترنت همزمان بود.» به گفته پورپزشک طبق بررسی‌های پادرو، در مردادماه ۴۰۰ هزار فروشگاه فعال ایرانی در اینستاگرام مشغول به فعالیت بودند که معیشت‌شان از طریق این پلتفرم تأمین می‌شود.

وعده کوچ به جایی که وجود ندارد

از زمان زمزمه اجرایی شدن طرح صیانت در ایران و ملی شدن اینترنت یکی از پاسخ‌های همیشگی مسئولان به کسب‌وکارهای فعال در پلتفرم‌هایی نظیر اینستاگرام که در صورت ملی شدن اینترنت رسماً از پامی افتادند، این بود که زمینه فعالیت کسب‌وکارهای آنلاین در پلتفرم‌های



چرا کارنگ، رسانه اقتصاد نوآوری، عواقب و اثرات وضعیت فعلی اینترنت بر کسب‌وکارها و اکوسیستم نوآوری کشور را بررسی کرده است؟

اینترنت در اغما

سبک و سیاق فعلی معنایی جز از دست رفتن این بخش از آمارهایی که خود آنها داده‌اند، ندارد و این یک خسارت غیرقابل جبران است.»

اکوسیستم منهای اینستاگرام

بسیاری این روزها می‌گویند مگر بود و نبود اینستاگرام در اقتصاد نوآوری کشور چقدر مهم است که این همه سروصدا بر سر آن برپا شده است. در جواب این گزاره غیراقتصادی باید گفت آیا اقتصاد دیجیتال یا حتی اکوسیستم استارت‌آپی منهای اینستاگرام که میلیون‌ها ایرانی کاربر آن هستند، معنا دارد؟ آن هم وقتی گزارش تجارت الکترونیکی سال ۱۴۰۱ کشور نشان می‌دهد تنها ۷۰ درصد اقتصاد آنلاین از طریق درگاه‌های پرداخت وبسایت‌ها انجام می‌شود و این یعنی ۳۰ درصد آن در بسترهای دیگر از جمله شبکه‌های اجتماعی جاری است... مهم‌تر اینکه آیا می‌توان به کسب‌وکارهای بزرگی که میلیاردها تومان هزینه بازاریابی در شبکه‌های اجتماعی کرده‌اند، گفت «اشتباه کردید!»

در این شماره از کارنگ که در این روزهای تلخ منتشر می‌شود، همکاران من با نگاهی تحلیلی و با ادبیاتی به دور از آنچه این روزها، رسانه‌ها و چهره‌های مختلف خارجی برای ایران می‌پیچند، تلاش کرده‌اند بگویند ادامه وضعیت متزلزل اینترنت یا تأکید بر ملی کردن آن، نه‌تنها می‌تواند اقتصاد آنلاین کشور و مفهوم نوآوری و تحول دیجیتال را ناکار کند، بلکه پیامی است به فعالان واقعی این حوزه با این مضمون که سرمایه‌گذاری خطرپذیر، راه‌اندازی استارت‌آپ و در یک کلام ساختن

کسب‌وکار در سال‌های آینده مشابه وضعیت فعلی خودروسازی در کشور خواهد شد؛ یعنی افتادن در بازی پیچیده رانت و ناکارآمدی و انحصار. و این در بدترین حالت یعنی رفتن ورها کردن و در بهترین حالت یعنی کاری نکردن و دست کشیدن و حسرت خوردن... اینترنت کشور و زیرساخت‌های آبی‌تی و همه کسب‌وکارها و اکوسیستمی که در دو دهه گذشته برای استقرار و رشد آنها خون دل‌ها خورده شده، بخشی از دارایی‌ها و سرمایه‌های مادی و معنوی کشورند. در این روزهای سخت و تلخ باید از داشته‌هایمان مراقبت کنیم. بر خلاف آنچه وزیر ارتباطات گفته یا برخی دیگر از نهادهای مختلف در پی اندازه‌گیری آن‌اند؛ خسارت‌های این حوزه صرفاً کسب‌وکاری و عدد و رقم‌های ریالی نخواهد بود. مخابره پیام ناامیدکننده به نسلی که با اینترنت بزرگ شده و آینده‌زندی و کسب‌وکار خود را روی آن تعریف کرده، خسارتی است غیرقابل سنجش که شاید یک دهه بعد ابعاد فاجعه‌بارش روشن شود.

مرگ دلخراش مهسا امینی، دنباله‌ای از اتفاقات و تحولات را در کشور رقم زده که اگرچه می‌توان با خوش‌بینی حد‌انگیزی گفت‌وگوها و توجه نسبی به مطالبات مطرح‌شده پس از آن را فرصتی برای رفع گره‌هایی دانست که در سال‌های اخیر سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی و معنوی کشور را در تنگنا قرار داده، اما با محدودیت‌هایی در اینترنت کشور همراه شده که هم تأثیر زیادی روی زندگی روزمره مردم گذاشته، هم بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های کسب‌وکاری را با توقف همراه کرده و هم مهم‌تر از این پرسش را ایجاد کرده که اگر این محدودیت‌ها را با فرازوفرودهای قبلی این حوزه از اقتصاد جمع‌بزنیم، چقدر می‌توانیم امیدوار باشیم که حرکت اقتصاد نوآوری کشور ادامه‌دار باشد؟! از این روست که باید بی‌رودربایستی تأکید کرد که دو هفته گذشته یک شوک بی‌سابقه برای زیست آنلاین ایرانی‌ها بوده و اینترنت به‌عنوان یک حق شهروندی در هزاره جدید با محدودیت شدید و قطعی متناوب همراه شده است. تا آنجا که بسیاری نگران‌اند وضعیت فعلی اینترنت و برخی سرویس‌های بین‌المللی به‌عنوان زیرساخت اقتصاد دیجیتال همه آنچه را در ۱۵ سال گذشته به‌عنوان اقتصاد نوآوری ساخته‌ایم، بر باد دهد.

نکته اساسی این است که بسیاری از ارتباطات کسب‌وکاری؛ به خصوص در اقتصاد نوآوری و دیجیتال مختل شده و هیچ‌کس به‌درستی نمی‌داند این وضعیت خاکستری در حوزه زیرساخت آبی‌تی کشور، کی و چگونه برطرف می‌شود.

چه دوست داشته باشیم، چه نه...

شاید برای آنها که مدت‌هاست می‌گویند باید فکری اساسی برای فضای مجازی کرد، این یک فرصت یا حتی یک نقطه تغییر باشد؛ همان‌ها که این روزها می‌گویند اتفاق خاصی نیفتاده و هر کسی سودای اقتصاد دیجیتال دارد، می‌تواند از زیرساخت‌ها و ابزارهای داخلی استفاده کند. همان‌ها که تأکید دارند اتفاق خاصی نیفتاده و اینترنت هست، اما با روش و سبک و سیاقی جدید و البته باب میل آنها! اما چه دوست داشته باشیم، چه نه، بودونبود اینترنت برای بسیاری از مردم معادل دسترسی داشتن یا نداشتن به اینستاگرام و واتس‌آپ شده است. چه دوست داشته باشیم، چه نه، زیرساخت ارتباطی بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ روی واتس‌آپ تعریف شده است. چه دوست داشته باشیم، چه نه، حیات صدها هزار کسب‌وکار خرد که معادل حدود ۷۰ درصد اقتصاد دیجیتال کشورند به دسترسی به شبکه‌های اجتماعی از جمله اینستاگرام وابسته است. این آمار می‌دهد که همین سه هفته پیش مرکز توسعه تجارت الکترونیکی وزارت صمت، آن هم با افتخار از رشد این بخش از تجارت کشور داده است. امروز باید با استناد به همین آمارهای رسمی گفت «اینترنت با



شماره ۶۷
۱۰ مهر ۱۴۰۱
سال دوم



رضا جمیلی
سردبیر

@rezajamili



چرا باید نگرانی آنها که کسب و کاری خرد را با هزار زحمت به دندان کشیده و رشده داده اند، جدی بگیریم

بگویید ما هم بخندیم آقای وزیر!

در روزهای اخیر شاهد قطعی و کندی اینترنت و محدودیت گسترده پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی بوده‌ایم. واتس‌آپ، اینستاگرام، وایبر و هرجا که قابلیت چت و ارتباط جمعی فراهم بوده، با فیلتر مواجه شده و حتی در زمان‌هایی که مثلاً اینترنت متصل است، اپ‌های داخلی مثل اسنپ هم با التماس بالا می‌آیند.

این راه‌حلی بوده که بخش‌هایی از تصمیم‌گیران و مسئولان برای مواجهه با ناآرامی‌های چند روز گذشته در پیش گرفته و جناب وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات هم در واکنش به این وضعیت با لبخند به خبرنگاران اعلام کرده که احتمال بازگشت وضعیت به روال

سابق فعلاً وجود ندارد. در این بین هم سازمان نصر تهران بیانیه داده و در خصوص وضعیت اینترنت هشدار داده و هم انجمن تجارت الکترونیک از مرگ کسب و کارهایی گفته که به واسطه این تصمیم به وقوع می‌پیوندد، اما ظاهراً فعلاً

برنامه این است که گوش‌ها بر توصیه‌های نخبگان بسته بماند.

در این مدتی که از انتشار کارنگ می‌گذرد، ما با حدود ۵۰ کسب و کار اینستاگرامی گفت‌وگو کرده‌ایم، عکس‌شان را روی جلد مجله آورده‌ایم و از کسب و کارهای کوچک و متوسطی گفته‌ایم که با سرمایه اندکی می‌توانند آغاز شوند و برای یک نفر یا بیشتر درآمد ایجاد کنند. این افراد نه باری روی دوش بانک‌ها گذاشته‌اند، نه چشم طمع به جیب دولت داشته‌اند، نه حمایت خاصی دریافت کرده‌اند. آنها هر هنری را که بلد بوده‌اند، به کار بسته‌اند، کم‌کم مخاطب خود را یافته‌اند، اعتماد ایجاد کرده‌اند و بعد از چندی توانسته‌اند روی پای خود بایستند و حتی گاهی درصد گسترش کار برآمده‌اند.

در اغلب گفت‌وگوهای کارنگ با این افراد، یک نگرانی بیش از همه به چشم می‌خورد؛ نکند حاکمیت با فیلتر اینستاگرام، راه را بر امرار معاش آنها ببندد. آن هم در زمانه‌ای که با افزایش روزافزون قیمت‌ها، کسی پولی در بساط ندارد که آن را در روزهای گرفتاری خرج کند و همزمان به فکر راه چاره‌ای باشد.

این روزها در همان پلتفرم‌هایی که فیلتر شده، ویدئویی از رئیس‌جمهور دست به دست می‌شود که آقای رئیسی در جواب کسانی که او را به فیلترینگ اینستاگرام در صورت روی کار آمدن متهم می‌کنند، می‌گوید چرا باید محل کسب مردم را تعطیل کند، آن هم در حالی که حتی دخترانش از فروشگاه‌های آن خرید می‌کنند؟ اما امروز به مردم گفته می‌شود که اشتباه کرده‌اند کسب و کار خود را در پلتفرمی راه انداخته‌اند که خارجی است و باید به پلتفرم‌های داخلی مراجعه کنند. غافل از اینکه عضویت در هیچ پلتفرمی با اعمال زور و سلیقه ممکن نیست. معلوم نیست چرا حاکمیت اصرار بر راهی دارد که پیش‌تر پیموده و از آن جواب درخوری نگرفته است.

فیلترینگ اینستاگرام و پلتفرم‌های دیگر که در وهله اول بی‌اعتنایی به حقوق شهروندی مردم است و در قدم بعدی، آسیب جدی رساندن به بدنه به شدت نحیف اقتصاد کشور، به وضوح پاک کردن صورت مسئله‌ای است که می‌تواند مسائل به مراتب بغرنج‌تر دیگری بیافریند؛ مسائلی که دیگر نمی‌توان آنها را گردن پلتفرم‌های خارجی و دسیسه بیگانگان انداخت. نتیجه گوش بستن به صدای کارشناسان و توصیه‌های آنان، چیزی جز بروز اتفاقات فاجعه‌بار نبوده و چه خطایی بزرگ‌تر از اینکه آزموده را بارها و بارها بیازماییم؟

فیلترینگ شاید بتواند مانند مسکنی عمل کند - هرچند در این هم شک و تردید وجود دارد - اما دومینووار به وقوع اتفاقاتی منجر می‌شود که اولین نتیجه آن بآس و ناامیدی از راه‌اندازی کسب و کار، آن هم از نوع نوآورانه‌اش است. قطع ارتباط با جهان به هر بهانه‌ای، به افزایش بیکاری، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و کاهش سرمایه‌گذاران، شیوع ناامیدی در جامعه و افزایش نرخ مهاجرت نیروی مستعد و... می‌انجامد و جامعه‌ای سرخورده و ناراضی می‌سازد.

برای همین است که نمی‌دانم آقای زارع‌پور به چه چیزی لبخند می‌زند؟ به نارضایتی بیشتر؟ به وضعیت اقتصادی شکننده‌تر؟ به بی‌پولی و بیکاری کسانی که امیدشان از آنها گرفته شده است؟ و... کاش می‌گفتید بر چه چیزی لبخند می‌زنید، شاید ما هم آن را خنده‌دار می‌یافتیم و همراه با شما می‌خندیدیم.



شماره ۶۷
۱۰ مهر ۱۴۰۱
سال دوم



کسب و کارها و مردم درباره اینترنت در یک بلاتکلیفی و سردرگمی به سر می‌برند

بحران مسئولیت‌پذیری

به شرکای خود نمی‌توانیم بگوییم پیام‌رسان داخلی نصب کنید تا با هم در ارتباط باشیم. بسیاری از این پیام‌رسان‌های داخلی محدودیت جغرافیایی دارند و عملاً در دسترس ایرانیان خارج کشور نیستند و برخی دیگر نیز کاربر جدید نمی‌پذیرند.

اما هیچ‌کس برای این چالش‌ها و موضوعات پاسخ شفاف و روشنی ارائه نمی‌دهد. از وزیر صمت گرفته تا وزیر ارتباطات که مستقیم‌ترین مسئولان مربوط به این حوزه هستند، هیچ‌یک پاسخ روشنی ندارند؛ سؤالاتی از این دست که چه زمانی شرایط اینترنت بین الملل به حالت عادی بازمی‌گردد؟ آیا این محدودیت‌ها دائمی خواهد بود؟ آیا این کسب و کارها با زیرساخت‌های موجود می‌توانند به کار خود ادامه دهند و مورد استقبال قرار خواهند گرفت؟ وقتی به دنبال پاسخ این سؤالات باشید، عملاً هیچ‌کس مسئولیتی در این خصوص نمی‌پذیرد. وزیر ارتباطات رفع این موضوع را به زمانی نامعلوم حواله می‌دهد و

مسئولیتی در خصوص ایجاد محدودیت برای اینترنت قبول نمی‌کند و به نحوی خود را مطیع دستوراتی می‌داند که ابلاغ شده و حتی قول پیگیری موضوع را نیز نمی‌دهد.

در این چند روز نیز هیچ اظهارنظری از سوی وزارت صمت یا معاونت‌های مربوطه در این خصوص مطرح نشده و تمامی این اتفاقات و موضوعات به نهادها و زمان نامعلوم حواله داده شده است.

واقعیت آن است در حال حاضر موضوعی که بیشتر خود را نمایان می‌کند، بحث

مسئولیت‌پذیری است. در حال حاضر دولت کنونی و مقامات آن تمایلی به پاسخگویی و پذیرش مسئولیت در خصوص اتفاقات اخیر ندارند. هیچ‌کس نیز تاکنون نتوانسته پاسخی شفاف و روشن از وزرای مربوطه دریافت کند. به نظر می‌رسد نهاد‌های صنفی نیز در دایره دریافت اطلاعات قرار نمی‌گیرند که بتوانند پاسخگوی سؤالات مربوط به کسب و کارهای خود باشند.

اکنون هرچه هست؛ چه خوب و چه بد، بحران مسئولیت‌پذیری بیش از هر زمانی خود را نمایان کرده است؛ از اختلال اینترنت گرفته تا ورشکستگی بسیاری از کسب و کارهای کوچک هیچ فردی مسئولیت و سهم خود را نمی‌پذیرد.

در طول دو هفته گذشته گزارش‌های متعددی در خصوص بحث فیلتر شدن پلتفرم‌هایی همچون اینستاگرام و واتس‌آپ در راه پرداخت منتشر کردیم و هر بار وقتی این گزارش‌ها منتشر می‌شد، نظرات متعددی به سمت ما روانه می‌شد که اغلب درخواست رفع فیلتر سریع‌تر این شبکه‌های اجتماعی بود؛ چرا که بسیاری از مردم کسب و کارهای کوچکی را که روی آن‌ها به راه انداخته بودند، در معرض خطر می‌دیدند و هیچ‌گونه چشم‌اندازی برای حفظ سرمایه‌ای که در این مسیر قرار داده بودند، نمی‌دیدند.

مردمی که نمی‌دانستند شکایت خود را به کجا ببرند و چگونه مسئول قطعی را که رخ داده، پیدا کنند. در این میان پرداخت یاری‌هایی نیز که به این کسب و کارهای کوچک سرویس می‌دادند، با کاهش جدی تراکنش مواجه شدند و در برابر اختلالات ایجاد شده هم پاسخی برای مشتریان خود نداشتند.

در این بین سؤال اصلی که مطرح می‌شود این است که مسئول تمامی این اتفاقات کیست و چه کسی باید مسئولیت این اتفاقات را بپذیرد.

شاید شفاف‌ترین پاسخ به این سؤال را وزیر ارتباطات مطرح کرد که عملاً آب پاکی را روی دست کسب و کارهایی ریخت که تمام فعالیت خود را بر محور اینستاگرام قرار داده بودند؛ کسب و کارهایی که گویا قصورشان این بوده که صرفاً بر اساس منطق کسب و کار و عقل سلیم بهترین بستر را برای عرضه محصولات خود انتخاب کرده بودند و بس!

وزیر ارتباطات در حاشیه نشست هیئت دولت در جمع خبرنگاران در خصوص خسارت کسب و کارهای کوچک از فیلتر شدن اینستاگرام، رسماً اعلام کرد که مردم خسارت خود را از اغتشاش‌گران دریافت کنند و تنها به این پاسخ بسنده کرد از ابتدا اعلام کردیم که مردم نباید بستر فعالیت اقتصادی خود را روی پلتفرم‌های خارجی قرار دهند.

اما به این سؤال افکار عمومی و کسب و کارها پاسخ داده نشد که آیا بستر جایگزینی شکل گرفته که دیگر نیازی به وجود پلتفرم‌های خارجی نباشد.

از طرفی در این روزها بسیاری از تجار نیز عنوان می‌کنند،



میثم سلیمانی
دبیر تحریریه راه پرداخت

msr52004@gmail.com



مانمی شنویم. ما باور نکرده ایم. ما زبان حرف زدن با نسل زد را که با ما فرسنگ ها فاصله دارد، بلد نیستیم

وات تودو؟ وات نات تودو؟

نکند، بلد نیستیم. تلاشی هم برای یاد گرفتنش نکرده ایم.

ما بیانیه صادر می کنیم؛ بدون اینکه بدانیم مخاطب عمده مان آن کسب و کارهای دیجیتالی هستند که بدنه اصلی شان را همین نسل Z ساخته است. بعد در بیانیه احتمالاً حتی سهواً کلماتی می نویسیم که می شود اسباب توییت های آتشین همین بچه ها.

ما هنوز فکر می کنیم به واسطه تجاری که در کارهای گذشته داریم، باید چراغ راهنمای نسلی باشیم که به قول رضای فیلم مارمولک «اصلاً» به ما فکر نمی کند». همین است که تا چراغ دست می گیریم و نصیحت می کنیم و ریش سفیدمان را به عنوان معیار تشخیص خوب و بد گرو می گذاریم، راه مان از هم جدا می شود. ما بعد از خواندن آن همه گزارش، داریم نمایش

درک کردن بازی می کنیم.

به زعم من، آن بیرون هم داستان همین است.

ما نمی شنویم. اصلاً متوجه نمی شویم این نسل چه می خواهد. باور نکرده ایم رسانه هایمان کار نمی کنند. نفهمیده ایم محل گذر و پاتوق شان جای دیگری است. حتی متوجه نشده ایم که دایره لغات این جماعت فرق می کند. ما به روش

خودمان در جزیره اسرارآمیز نسل Z سخنوری می کنیم و آنها به روش خودشان به زندگی ادامه می دهند که ما هیچ جایش نیستیم. این روزها یکی از تفریحات من پیرمرد (واقعاً وقتی با یک جمع نوجوان معاشرت می کنم، عجیب حس پیری می آید سراغم) وقتی می خواهم از دست اخبار ناگوار و غم انگیز که انگار مدام زیادتیر هم می شوند فرار کنم، تماشای سریال پایتخت است.

آقای رئیس نصر، توییت شما را که می خواندم، حس ارسطو عامل بودن داشتم؛ وقتی می گفت: «حاجی حالا چه کار کنیم؟ وات تودو وات نات تودو، گل؟»



داشتم توییت رئیس سازمان نظام صنفی رایانه ای تهران را می خواندم. کاری با اتفاقات این روزها ندارم (البته کار دارم، منظورم در این یادداشت است)، می خواهم درباره لحن بیانیه، یادداشت، اعلام موضع یا هرچه دوست دارید اسمش را بگذارید، حرف بزنم.

من یک دهه شصتی ام. نزدیک به ۲۰ سال در جاهایی کار کرده ام که معمولاً همکارانم جوان تر از من بوده اند (طبیعتاً به جز آن اوایل که خودم به قول مدیران جزئی از بچه خردهای شرکت بودم). همیشه بخشی از علائقم به خصوص در حوزه هایی که کار کردم، شناخت مخاطب یا مشتری بوده که ما دوست داریم حرف مان را بخواند و آنچه را در ذهن مان است، عملی کند. حالا آن چیز ممکن است خرید کالا باشد یا جانداختن یک رویکرد فرهنگی یا جریان سازی در راستای فلان دغدغه اجتماعی. همین یکی، دو هفته پیش هم همین جا یادداشتی با همین مضمون درباره مدل های قدیمی بازاریابی در صنعت بیمه نوشتم که همه می دانند به خاطر تغییر مدل ذهنی و سبک زندگی نسل جدید دیگر کارآمد نیستند، اما همچنان به تکرارش اصرار دارند (گفتم به رو بیاورم که فکر نکنید مثل خیلی از این دوستان پر تلاش عرصه نوآوری، اینجا هم داریم از ذهن نوآورم خرج می کنم که یادداشت قبلی را با یک تیتیر جدید تقدیم کنم!).

برگردیم به اصل موضوع، در طول این سال ها بارها با گزارش های تحلیلی گردن کلفت، مصاحبه های آنجانی، تحلیل های کارشناسی و تحقیقات دانشگاهی زیادی مواجه شده ام که سعی در کشف به قول خودشان نسل شگفت انگیز لبه یا نسل Z یا به قول باکلاس ترها نسل زی داشته اند. قالب های گرافیکی دلربا و مدیرعامل پسند، ترجمه های پرعمق، رویدادهای جانبی، تشکیل کمیته فلان و جلسه با فعالان بهمان، همه خروجی هایی بوده اند که زحمت و هزینه فراوان پایشان رفته، اما این مسیر هم مثل بسیاری از مسیرهای خوش فرم قبلی، نتیجه عملی نداشته است. به قول مهندسان، کار انجام شده، اما جابه جایی صفر است. ما بی نهایت سند داریم از ویژگی های این نسل. نفهمیده ایم که سبک زندگی و دغدغه هایشان متفاوت از مدل ذهنی ماست، اما هنوز پنبه ها را از گوش مان درنیاورده ایم.

ما نمی شنویم، ما باور نکرده ایم، ما زبان حرف زدن با موجوداتی را که هر روز در روبلاکس و مایند گرفت با هم در دنیای دیگری معاشرت می کنند و شبکه اجتماعی شان جایی مثل دیسکورد است که این اختیار را به آنها داده که بدون اجازه شان هیچ کس، حتی پدر و مادرشان راهی به جامعه مجازی ای که ساخته اند، پیدا

هر خسارتی جبران می شود؟

امروز آنچه ما به خسارت و ضرر جبران ناپذیر کسب و کارها می شود، انسداد دیجیتال نیست؛ بلکه اعتمادی است که بر باد می رود

هر پدیده اجتماعی لایه ها و سویه های متفاوت و گاه متضادی دارد که برای درک هرچه دقیق تر آن باید از آن دور شد تا همه اضلاع زشت و زیبای آن را با هم دید. به زبان نیچه می شود گفت «فراسوی نیک و بد».

ما این روزها در خیابان ها اتفاقات زشت زیاد دیدیم. از ناروایی به دختری جوان، صرفاً به سبب پوشش تا حرکت های تند از سوی آنها که باید پاسخگو و مداراگر باشند. باشد! آن سمت ما چرا را هم ببینیم. زیر مش و لگد رفتن سربازان نیروی انتظامی و خشم کنترل ناشده جوانان به جان آمده ای که دیگر نه تابی برای تحمل دارند و نه اختیاری برای تأمل. در واری همه این زشتی ها اما می توان به درستی به زیبایی محض رسید. واری شعارهای تند و هنجارشکن این روزها شعارهایی هم سر داده شد که هر

کدام می توانست و می تواند تیتیر یک مطبوعات رسمی کشور باشد. گزاره ای همچون کردستان چشم و چراغ ایران که نشان داد مردم ما نه «اتحادیه اقوام» اند و نه مجموعه ای متعارض از اتنیک ها؛ بلکه یک «ملت» هستند با رنج ها و شادی های مشترک و تاریخ و فرهنگ و زیست جهانی مشترک.

این «ملت» بالغ همان گونه که کاستی های حاکمیت را فریاد می زند،

با هزار زبان می گوید فریب بیگانه را نخورده است. سال هاست که هزینه های زیادی خرج غیریت سازی و قوم ستیزی در ایران می شود، اما مردم درست در همان لحظه ای که به حاکمیت اعتراض دارند، یک اصل را هم فریاد می زنند؛ اینکه ما یک ملتیم. پس درست در لحظه ای که از ناامیدی و بی اعتمادی می شود گفت، به نقطه شروعی درخشان برای امید و اعتماد هم می توان رسید.

البته اعتماد سویه های متفاوتی دارد؛ اعتماد مردم به مردم، اعتماد حاکمیت به مردم و اعتماد مردم به حاکمیت. اگر هر سه شق اعتماد که خود حاصل امید به آینده است، محقق شود در نهایت به سرمایه اجتماعی و رشد و توسعه تبدیل خواهد شد؛ بنابراین از منظر جامعه شناختی این مسیر از امیدواری آغاز و به سرمایه اجتماعی به عنوان موتور محرک توسعه ختم می شود، اما امید چگونه شکل می گیرد؟

امید حاصل چشم اندازی روشن از آینده است که دولت ها سهم بسزایی در شکل گیری آن دارند. اگر مردمی احساس کنند با مسئولانی طرف هستند که برای بهبود وضع زندگی آنها تلاش می کنند و آزادی و رفاه و کرامت آنها را در نظر دارند، به نهاد دولت اعتماد کرده و بر این مبنا نسبت به خود نیز با اعتماد رفتار می کنند، زیرا می دانند دولتی معتمد ضامن اعتماد آنها به یکدیگر است.

شاخص اعتماد معیاری مهم برای اندازه گیری میزان رشد و توسعه جوامع است که امروز در رشد و توسعه اقتصادی نیز به عنوان ابزاری مهم از آن یاد می شود. هرچند هنوز میان جامعه شناسان و اقتصاددانان بر سر آن اختلاف هاست. عوامل مؤثر بر این شاخص معلوم و مشخص اند. صداقت حاکمیت در برابر فساد، رضایت از امنیت و مقابله با جرم، اطمینان به حاکمیت، پاسخ به حاکمیت، عدالت حاکمیت، تعصب مذهبی، امنیت مالی، احساس تحرک اجتماعی و رضایت از خدمات آموزشی و بهداشتی و... که در این میان عامل صداقت حاکمیت، به ویژه در برابر فسادهای اقتصادی و اجتماعی و پاسخگویی حاکمیت نقش تعیین کننده ای دارند. کشور چین مدت هاست که در صدر فهرست بالاترین میزان شاخص اعتماد مردم به دولت در میان کشورهای دنیا قرار دارد. چرا؟ چون مردم حرف و عمل دولت مردان را یکی می بینند؛ حتی اگر با محرومیت های بسیاری نیز همراه باشند. اقدامات دولت چین در مبارزه با فساد و نشان دادن اهمیت مردم در دوران کرونا دولت را پیش چشم مردم چین عزیز کرد.

ما این روزها در خیابان ها اتفاقات زشت زیاد دیدیم. ما موضوع گیری های عجیب و زشت شنیدیم. زشتی هیچ وقت نمی ماند و این روزها می گذرند، اما آنچه می ماند و باز زشت ترین حالت ممکن خودش را به ما می نمایاند، امید و اعتماد مخدوش شده است؛ همان رکن اساسی رونق اجتماعی، همان پایه اصلی رونق کسب و کاری، همان شاخص بزرگی که ما را به دنیا معرفی می کند. می دانید! آنچه امروز کسب و کارهای ما باید نگران آن باشند، انسداد دیجیتال نیست که آن هم خودش داستانی است جدا و ماجرابی است در این صیانت اجباری. زبان دیجیتال را می توان جبران کرد. همیشه راه حلی برای رسیدن به راهکاری جدید هست. مگر در این سال ها انسداد مسیرهای ارتباطی در استفاده از تلگرام ها و فیس بوک ها و... مؤثر بود؟ این بار هم نیست. مغز متفکر نوآور کسب و کاری راه خودش را به حتم پیدا می کند. حالا کمی کمتر از سابق. این محدودیت ها را می توان جبران کرد، اما آیا راهی برای جبران اعتماد از دست رفته هست؟ آیا می توان مردم را هنوز به بارقه هایی از حمایت و توجه امیدوار کرد؟ اعتماد یکی از بزرگ ترین محرک های سرمایه گذاری در صنایع مالی، به خصوص صنعت بیمه است که کاهش آن می تواند نه فقط مانعی برای رشد که حتی عاملی برای کاهش اقبال عمومی باشد. نگذاریم پایه های اعتماد و اطمینان سست شود که اگر این اتفاق بیفتد، هیچ کسب و کاری از بی اعتمادی مشتریانانش در امان نخواهد ماند!



شماره ۶۷
۱۰ مهر ۱۴۰۱
سال دوم



ایمان جلیلی
کارشناس ارشد برندینگ و بازاریابی

Info@
karangweekly.ir

وزنچر منفعل؟

عیسی زارع پور می گوید بر خلاف عکس خندانی که از او در جلسه هیئت دولت منتشر شده، از وضعیت فعلی اینترنت خوشحال نیست و پیگیر رفع محدودیت هاست، اما مدام تأکید می کند که کار چندانی از دستش ساخته نیست! اما کارشناسان تأکید دارند وزیر ارتباطات باید نسبت به محدودیت اینترنت و خسارت به کسب و کارها پاسخگو باشد

گزارش
REPORT



استمرار فیلترینگ و توسعه استفاده از فیلتر شکن ها توسط مردم و خصوصاً نسل پدران و مادران مان، خطر بزرگ فراگیری بدافزارها را در سطح ملی در پی خواهد داشت

بدافزارها در کمین کاربران

فیلتر شکن ها کردند. حالا این روزها فیلترینگ واتس اپ و اینستاگرام که پرکارترین شبکه های اجتماعی در بین ایرانیان هستند، به این جریان در جست و جوی فیلتر شکن بودن دامن زده و کار به جایی رسیده که از بسیاری می شنویم که بزرگ ترهای خانواده یا فامیل آشکارا از آنها طلب معرفی یا نصب یک فیلتر شکن خوب را دارند. از طرفی بر هیچ کس پوشیده نیست که نصب و ترویج فیلتر شکن ها، آن هم با این گستردگی خطرات امنیتی جدی ای را برای کاربران به همراه خواهد داشت؛ چرا که فرصت بزرگی برای توسعه بدافزار و به واسطه آن سرقت اطلاعات هویتی و مالی افراد است.

در این بین بزرگ ترین نسلی که می توانند آسیب ببینند، همان نسل پدران و مادران مان هستند؛ نسلی که اینترنت ملی برایشان معنی ندارد و صرف اینکه بتوانند از طریق واتس اپ با دوستان و خانواده خود در ارتباط باشند یا در اینستاگرام از روزمرگی های خود بگویند یا از روزمرگی های دیگران ببینند، معادل داشتن اینترنت است. حالا با فیلتر شدن این دو پلتفرم، اینترنت نیز طبق همین تعریف برایشان به کل قطع شده و این روزها مدام در پی فیلتر شکنی هستند که بتوانند برای دقایقی به قول خودشان به اینترنت متصل شوند.

تمامی این اوضاع در حالی است که در پدیده توسعه و فراگیری فیلتر شکن ها با فضای سیاهی طرف هستیم که به شدت می تواند خطرناک و ناامن باشد. در جریان مشابهی، در دی ماه ۱۳۹۸ بانک مرکزی استفاده از رمز دوم پویا را برای عموم مردم اجباری کرد تا موانع متعددی از جمله کلاهبرداری و فیشینگ را از سر راه کاربران بردارد.

این اتفاق در ابتدا تا حد زیادی اثرگذاری جدی در بحث کاهش جرائم رایانه ای داشت، اما رفته رفته کلاهبرداران نیز خود را با شرایط وفق دادند و راه های دور زدن رمز دوم پویا را نیز ایجاد کردند و این بار پیچیده تر و خیلی خطرناک تر از گذشته؛ راه هایی که روز به روز نیز فراگیرتر می شوند. تا پیش از اجباری شدن استفاده از رمز دوم پویا، مردم صرفاً باید توجیه می شدند که رمز دوم کارت خود را به کسی نگویند، پژواک رمز نداشته باشند و از فیشینگ شدن شان مراقبت کنند که هر چند باز هم با شیوه هایی، مورد کلاهبرداری قرار می گرفتند، ولی نسل پدران و مادران مان که یک موضوع ساده یعنی نگفتن رمز دوم خود را به سختی انجام می دادند.

ادامه در صفحه ۱۰

بیش از ۱۰ روز از قطعی و اختلال در اینترنت و فیلترینگ بسیاری از شبکه های اجتماعی از جمله اینستاگرام و واتس اپ می گذرد؛ شبکه های اجتماعی فراگیر و پرکاربری که عموم مردم در کشور از آنها استفاده می کنند و کاربرد این دو پلتفرم در زندگی روزمره و کسب و کار عده زیادی آن قدر زیاد و پررنگ شده که استفاده از آنها را معادل استفاده از اینترنت می دانند و حالا با فیلترینگ های این روزها، به عقیده این دسته از افراد، اینترنت به کل قطع شده و در دسترس بودن سرویس هایی که در داخل کشور میزبانی می شوند، برایشان به معنی متصل بودن بخشی از اینترنت نیست.

این نسل، اینترنت را معادل اینستاگرام و واتس اپ می دانند؛ نسل پدران و مادران مان. قطعی اینترنت در کشور اتفاق جدید و غیرمنتظره ای نیست؛ اواخر آبان ماه ۱۳۹۸ هم کشور این اتفاق را تجربه کرد و اینترنت بیش از یک هفته قطع شد و بسیاری را با شوک مواجه کرد، اما در آن زمان، فیلترینگ شبکه های اجتماعی به گونه ای که این روزها آن را شاهد هستیم، اتفاق نیفتاد. در پی قطعی اینترنت این روزها، فیلترینگ پیام رسانی و شبکه های اجتماعی ای را شاهد هستیم که راه ارتباطی روزمره بخش بزرگی از مردم را به کل مختل کرده است؛ دسته ای از افراد که کمتر درباره آنها صحبت می شود، افرادی که ماه ها و سال ها طول کشیده تا با این مسیرهای جدید ارتباطی ارتباط بگیرند و به آن عادت کنند و حالا که به آن عادت کرده اند، دسترسی شان قطع شده است.

نسلی که شکستن عادت برایش یکی از سخت ترین کارهاست و تمام نظم زندگی شان را بر هم خواهد زد و برایش «تغییر» عادت موضوع سختی است؛ چرا که بر خلاف نسل های جوان تر، آمادگی، توان و دانش کافی برای استفاده از سرویس های جایگزین را ندارند و طبیعی است که این نسل که عمدتاً نسل پدران و مادران ما هستند، به تغییر روی خوش نشان ندهند و به جای مهاجرت به راهکارهای جایگزین به دنبال ابزارهایی برای شکستن فیلترینگ باشند. تجربه فیلتر شدن تلگرام نشان داد که کاربران ایرانی حتی با وجود فیلتر شدن تلگرام نه تنها به سمت استفاده از پیام رسانی داخلی حرکت نکردند، بلکه شروع به استفاده از



مینا حاجی



@MinaHajji1



شماره ۶۷
۱۰ مهر ۱۴۰۱
سال دوم

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات به‌تازگی در جمع خبرنگاران اعلام کرده که او اطلاعی از دائمی یا موقت‌بودن محدودیت روی اینترنت ندارد و اگر هم مانند فضای فیزیکی در فضای مجازی کسی متحمل خسارتی شده، باید این خسارت را از کسانی بگیرد که باعث ایجاد ناآرامی در کشور شده است. اما آیا واقعاً وزارت ارتباطات و در رأس آن وزیر این وزارتخانه مسئولیتی در قبال ایجاد محدودیت‌ها و در ادامه خسارتی که به کسب‌وکارها و مردم وارد می‌شود، ندارد؟ پاسخ به این سؤال از دید برخی کارشناسان منفی است. آنها اعلام می‌کنند وزیر ارتباطات تنها با این اظهارات از وظایف خود سلب مسئولیت کرده و جایگاه وزارتخانه را هم زیر سؤال برده است. همچنین به باور این کارشناسان اگر هم این نکته مورد قبول باشد که در موقعیت‌های حساس نهادهی خارج از این وزارتخانه دستور به قطعی و ایجاد محدودیت می‌دهد؛ اما در نهایت و در قدم بعد وزارت ارتباطات باید نسبت به خسارتی که به کسب‌وکارها به‌دنبال این محدودیت وارد می‌شود، خود را مسئول بداند و در راستای کاهش زمان این محدودیت‌ها قدم بردارد.

راهی برای فرار از مسئولیت؟!

اینترنت، تنها راه ارتباط با جهان، به‌دنبال اعتراض‌ها به مرگ مهسا امینی برای نزدیک به ۱۲ روز است که با اختلال و محدودیت همراه است. این اولین بار نیست که قطعی و محدودیت دسترسی به اینترنت در کشور اتفاق می‌افتد؛ چراکه پیش‌تر و در سال ۱۳۹۸ نیز کاربران به خاطر اعتراض مردمی به افزایش قیمت بنزین یک بار طعم تلخ قطع سراسری اینترنت را چشیده بودند. با این حال چیزی که حداقل در چند روز اخیر خشم بسیاری از کاربران و اعتراض بسیاری از کسب‌وکارها را به‌دنبال داشته، اظهارات وزیر ارتباطات در مورد محدودیت‌ها روی اینترنت است.

زمانی که او در جمع خبرنگاران و در شرایطی که پیش‌تر هرگونه قطعی و محدودیت اینترنت را تکذیب کرده بود، حاضر می‌شود، با ابراز بی‌اطلاعی از دائمی یا موقت‌بودن محدودیت روی اینترنت اعلام می‌کند که تشخیص در این زمینه بر عهده همان مراجعی است که دستور به محدودسازی داده‌اند. همچنین او در ادامه و در یک اظهار نظر عجیب‌تر می‌گوید خسارتی هم که به‌دنبال این محدودیت برای کسب‌وکارها ایجاد شده، بر عهده کسانی است که به گفته او اغتشاش ایجاد کرده‌اند.

همین اظهارات کافی بود تا یک بار دیگر جایگاه و مسئولیت‌های وزارت ارتباطات به‌عنوان متولی ایجاد دسترسی به ارتباطات و فناوری اطلاعات مورد سؤال قرار بگیرد. حالا بسیاری از کاربران به‌دنبال این اظهارات عیسی زارع‌پور می‌گویند اگر این وزارتخانه هیچ پاسخی به موقت یا دائمی بودن این محدودیت‌ها ندارد، پس چرا چنین وزارتخانه‌ای به وجود آمده است؟ یا مدیران کسب‌وکارها این سؤال را مطرح می‌کنند که چطور در شرایط ایجاد محدودیت روی اینترنت و قطع ارتباط با جهان وزیر ارتباطات صحبت از توسعه اقتصاد دیجیتال و رشد کسب‌وکارها در فضای مجازی می‌کند؟ به باور آنها این تناقض‌گویی، برنامه‌ها و اهداف وزارت ارتباطات دولت سیزدهم برای توسعه اقتصاد دیجیتال را زیر سؤال می‌برد.

وزیر باید مرجع باشد

در این مورد عباس پورخصالیان، کارشناس مخابراتی در گفت‌وگو با راه پرداخت اظهارات اخیر عیسی زارع‌پور را تنها یک نوع فرار و سلب مسئولیت از وظایف یک وزیر عنوان می‌کند.

پورخصالیان می‌گوید: «با این اظهارات عجیب آقای زارع‌پور ایشان از خودشان و وزارت ارتباطات سلب مسئولیت می‌کنند. وقتی ایشان می‌گویند مراجع دیگر در مورد این محدودیت‌ها روی اینترنت تصمیم گرفته‌اند و در نهایت هم همین مراجع تصمیم می‌گیرند محدودیت‌ها برداشته شود یا خیر، یعنی خودشان را از مرجعیت حذف کرده‌اند. این در حالی است که باید وزیر خودش یک مرجع باشد و به مردم و کسب‌وکارها به‌صورت شفاف پاسخ دهد.»

او اظهارات عیسی زارع‌پور و سلب مسئولیتش در این زمینه را غیر قابل بخشش می‌داند و تأکید می‌کند: «اگر وزیر ارتباطات نمی‌تواند روی تصمیم گروهی که دستور به ایجاد محدودیت می‌دهند، تأثیر بگذارد و آنها را از زبان‌های چنین تصمیماتی آگاه کند، حداقل کاری که می‌تواند انجام دهد، این است که با همان نهادهای تصمیم‌گیر که می‌گویند، رابزنی و تلاش کند زمان این محدودیت‌ها کاهش پیدا کند.»

پورخصالیان یاد آور می‌شود که وزیر ارتباطات باید در چنین شرایطی هوشمندانه پاسخ دهد و با استفاده از زبان دیپلماسی حداقل بگوید که در حال پیگیری رفع محدودیت‌هاست.

آیا وزارت ارتباطات متولی اقتصاد دیجیتال است یا خیر؟



نیم‌ا نامداری، مدیرعامل شرکت کارنامه هم اعلام می‌کند که وزارت ارتباطات و

فناوری اطلاعات و در رأس آن وزیر باید نسبت به تأثیری که این محدودیت‌ها روی کسب‌وکارها می‌گذارد، خود را مسئول و پاسخگو بداند. نامداری بیشترین انتقاد به‌وزیر ارتباطات را نسبت به اظهاراتش در مورد اینکه کسب‌وکارهای خسارت‌دیده از محدودیت اینترنت باید خسارت‌شان را از بانیان ناآرامی بگیرند، می‌بیند و به راه پرداخت می‌گوید: «در مورد بخش اول حرف ایشان که می‌گویند از دائمی یا موقت‌بودن محدودیت‌ها بی‌اطلاع‌اند، نظری ندارم، اما از آنجا که وزارت ارتباطات خودش را متولی دسترسی به اطلاعات می‌داند، باید نسبت به خسارتی که کسب‌وکارها از این محدودیت‌ها می‌بینند، مسئول بداند و برای کاهش این خسارت‌ها قدم بردارد.»

او ادامه می‌دهد: «نکته اصلی در مورد صحبت‌های ایشان این است که آیا وزارت ارتباطات خود را متولی اقتصاد دیجیتال و توسعه کسب‌وکار دیجیتال می‌داند و آیا نگران تبعات این اختلال روی رشد اقتصاد دیجیتال است یا خیر؟ اگر پاسخ به این سؤال مثبت است، آنها چه ریزنی‌هایی انجام داده‌اند که نهاد تصمیم‌گیر را متقاعد کند تا این محدودیت‌ها هرچه زودتر متوقف شود.» نامداری تأکید می‌کند اگر قطع اینترنت یا ایجاد محدودیت در اینترنت در اختیار وزارت ارتباطات نبوده، اما این وزارتخانه باید مسئولیت تأثیر این ایجاد محدودیت روی زندگی مردم و کسب‌وکارها را بپذیرد. او در این زمینه با اشاره به مثالی می‌گوید: «مانند این می‌ماند که من مریض شوم و به پزشک مراجعه کنم. پزشک در قبال بیماری من مسئولیتی ندارد؛ چراکه مریض‌شدن من خارج از کنترل پزشک است، ولی همین پزشک در قبال درمان من مسئول است؛ بنابراین حداقل انتظاری که از وزیر ارتباطات می‌رود این است که در مقابل خسارتی که به کسب‌وکارها در این شرایط وارد می‌شود، خود را مسئول بداند.»

اینترنت و حقوق مردم

نامداری تأکید می‌کند که در زمینه محدودیت دسترسی به اینترنت فقط کسب‌وکارها متحمل ضرر نشده‌اند و خسارت به مردم هم وارد شده است. به باور او اینترنت تنها ابزاری برای یک کسب‌وکار نیست و یک ابزار برای زندگی روزمره تمام مردم است: «در تمام دنیا این روزها دسترسی به اینترنت چیزی مانند دسترسی به آب، برق، بهداشت و آموزش و یک حق مسلم و حیاتی است و دولت‌ها مکلف به ایجاد دسترسی در این زمینه هستند، چون اینترنت عامل توسعه بسیاری از بخش‌هاست.»

وزارت ارتباطات پاسخگو باشد

حمیده زرابادی، نماینده‌دور دهم مجلس هم در این زمینه می‌گوید وزارت ارتباطات باید پاسخگوی خسارتی که کسب‌وکارها از این محدودیت اینترنت می‌بینند، باشد. به گفته او منطقی نیست که وزیر ارتباطات در مورد محدودیت‌های اینترنت و اینکه کسب‌وکارها

به‌دنبال این اتفاق خسارت می‌بینند، پاسخ‌های غیرشفاف بدهد و خود را مسئول نداند.

زرآبادی در این زمینه به راه پرداخت می‌گوید: «هر وزارتخانه‌ای در چنین شرایط حساسی تصمیم‌گیر نیست و تنها مجری اجرای یکسری تصمیمات است و در واقع بیشتر از اینکه متولی باشد، به یک کارگزار تبدیل می‌شود. با این حال وقتی وزارتخانه‌ای در مورد توسعه اقتصاد دیجیتال و ایجاد شغل صحبت می‌کند، باید بداند که این محدودیت‌ها چه خسارت‌هایی ایجاد می‌کند. پس باید پاسخگوی ضرر و زبانی که کسب‌وکارها می‌بینند، باشد و در راستای جبران این خسارت‌ها قدم بردارند.»

یکی دیگر از انتقادها به اظهارات اخیر عیسی زارع‌پور، در مورد پیشنهاد او به کسب‌وکارها برای استفاده از پلتفرم‌های داخلی به جای خارجی بود تا از محدودیت در اینترنت خسارت نبینند

زارع‌پور بعد از اینکه اعلام کرد کسانی که در فضای مجازی به خاطر محدودیت اینترنت خسارت دیده‌اند، خسارت‌شان بر عهده کسانی است که به گفته او «این اغتشاش و آشوب را راه انداخته‌اند»، اعلام کرد: «کاسبان در کسب‌وکار خود روی پلتفرم‌هایی که به قوانین جمهوری اسلامی پایبند نیستند، سرمایه‌گذاری نکنند. هرچند حتی اگر مجدداً این پلتفرم‌ها باز شوند، می‌بینید که در هر بزنگاهی آن مسئولیت‌های بین‌المللی خود را هم ایفا نمی‌کنند و طبیعتاً ممکن است با محدودیت‌هایی روبه‌رو شوند.»

زرآبادی این اظهارات را به‌نوعی گرفتن حق انتخاب از یک کسب‌وکار و اجبار به او می‌بیند. او در این مورد می‌گوید: «اینکه به جای جلوگیری از خسارت به کسب‌وکاری که کارش وابسته

به استفاده از اینترنت و ابزارهای اینترنتی است، گفته می‌شود از سرویس داخلی استفاده کنند، بیشتر از اینکه یک راه‌حل منطقی باشد، یک نوع اجبار است. در واقع به این افراد گفته می‌شود اگر از راهی خارج از مسیری که ما تعریف می‌کنیم و مورد تأیید ماست، کسب‌وکارتان را توسعه دهید، ما پاسخگو نیستیم و به‌نوعی آنها را محکوم به استفاده از سرویس داخلی می‌کنند.»

در همین زمینه برخی مدیران کسب‌وکارهای آنلاین هم استفاده از پلتفرم داخلی برای جلوگیری از خسارت به‌دنبال محدودیت اینترنت را منطقی نمی‌بینند؛ چراکه به باور آنها هنوز پلتفرم‌های قوی و پشتیبانی پاسخگو برای توسعه کسب‌وکارهای آنلاین در کشور وجود ندارد.

نیم‌ا نامداری در این زمینه به راه پرداخت می‌گوید: «برآوردهایی وجود دارد که سایت‌های ایرانی سالانه حدود ۳۰۰ میلیارد تومان برای SEO فقط روی گوگل هزینه می‌کنند که هنگام جست‌وجوی کالاها و خدمات توسط مشتریان بالاتر و بهتر دیده شوند. وقتی گوگل قطع است کل این هزینه‌ها هدر می‌رود.»

او ادامه می‌دهد: «با این محدودیت‌ها، تنها فروش شرکت‌ها نیست که کاهش می‌یابد؛ عملیات جاری آنها هم لطمه می‌بیند و این می‌تواند به افزایش هزینه یا از دست دادن مشتریان منجر شود. مثلاً بسیاری از کسب‌وکارها از ابزارهای نرم‌افزاری مبتنی بر رایانش ابری برای فرایندهای داخلی خود نظیر مدیریت ارتباط با مشتریان استفاده می‌کنند. وقتی اتصال به سرویس‌های خارجی برقرار نیست، این ابزارها هم دچار اختلال می‌شوند یا بسیاری از شرکت‌ها برای ارتباط با مشتریان و خدمات پس از فروش و تعاملات مختلفی که دارند از پیام‌رسان‌های خارجی استفاده می‌کنند.»

به باور او درست است که پیام‌رسان‌های داخلی وجود دارند، ولی در واقعیت بخش مهمی از مردم از این پیام‌رسان‌ها استفاده نمی‌کنند و در کنار آن هنوز ابزارهایی به وجود نیامده تا جایگزین نوع خارجی آن شود. او در این مورد می‌گوید: «حتی اگر ابزاری هم در مقایسه با سرویس‌های خارجی برای توسعه کسب‌وکارها در فضای آنلاین وجود داشته باشد، منطقی نیست که یک‌شبه از کسب‌وکاری که روند پیشرفت و توسعه

آن از طریق گوگل و شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام می‌گذرد، خواسته‌شود از پلتفرم داخلی استفاده کنند.»

سناریوی شکست‌خورده کوچ اجباری به پلتفرم‌های داخلی

وحید رحیمیان، مدیرعامل «مایکت» هم اعلام می‌کند در نگاه اول ممکن است به‌دلیل محدودیت روی سرویس‌های خارجی مردم به سمت استفاده از پلتفرم‌های داخلی بیایند، اما در نهایت

اجباری که در این زمینه وجود دارد، مردم را به سرویس‌های داخلی بدبین می‌کند.

رحیمیان در این مورد می‌گوید: «با حذف دسترسی برخی اپلیکیشن‌های محبوب و پر مخاطب مانند اینستاگرام و واتس‌اپ، بخش زیادی از مراجعاتی که برای این برنامه‌ها بود، از بین می‌رود و از سوی دیگر، نگاه کاربر به ما (به‌عنوان یک پلتفرم بومی) منفی شده و باعث دلزدگی آنها می‌شود.»

او ادامه می‌دهد: «این نوع تصمیمات در میان‌مدت نیز اثرات منفی قابل توجهی برای کسب‌وکارهای ایجادکننده پلتفرم‌های بومی به همراه دارد؛ زیرا با افزایش محدودیت‌ها، نیروهای متخصص شرکت‌ها تصمیم به مهاجرت می‌گیرند و شرکت‌ها را ترک می‌کنند.»

مهندسی در ترافیک اینترنت

برگ برنده‌ای که این روزها وزیر ارتباطات آن را به رسانه‌ها نشان می‌دهد و آن را به‌عنوان یک دستاورد دولت سیزدهم اعلام می‌کند این است که توسعه شبکه ملی اطلاعات باعث شده کسب‌وکارهای داخلی بدون مشکل به روند کاری خود ادامه دهند.

عیسی زارع‌پور در این زمینه و در یادداشتی که در یکی از شبکه‌های داخلی منتشر کرده، نوشته است: «یادمان نرود که محدودیت اینترنت در دولت‌های گذشته هم در شرایط خاص مسبوق به سابقه بوده که به قطع کل اینترنت منجر می‌شد، اما در این دوره، این اتفاق نیفتاد و تمامی خدمات داخلی و بسیاری از خدمات خارجی بدون هیچ‌گونه اختلالی در دسترس هستند و تلاش شده هموطنان عزیز برای ارتباطات و امور روزمره مشکلی نداشته باشند.»

کارشناسان ارتباطی به این اظهارات زارع‌پور نیز انتقاد و شبهاتی وارد می‌کنند. برای نمونه عباس پورخصالیان اعلام می‌کند درست است که اینترنت مانند سال ۱۳۹۸ به‌صورت سراسری قطع نشده، اما وزارت ارتباطات با مهندسی ترافیک عملاً اجازه دسترسی به هیچ سرویس اینترنتی مهم و پرکاربرد را نمی‌دهد. پورخصالیان در این مورد می‌گوید: «وضعیت دسترسی به اینترنت کاملاً با قطعی اینترنت در سال ۱۳۹۸ فرق دارد. اینترنت در دسترس است، اما به‌دنبال مهندسی ترافیکی که اتفاق افتاده، محدودسازی شدیدتری در دسترسی به اینترنت به وجود آمده است.» او ادامه می‌دهد: «برعکس تصویری که می‌شود، سرویسی در کشور فیلتر نشده، بلکه در دسترسی به آن محدودیت ایجاد شده است. در فرایند فیلترینگ تنها یک مسیر دسترسی بسته می‌شود، ولی در فرایند محدودسازی هر راهی که امکان دسترسی به یک سرویس وجود دارد، به شکل کامل بسته می‌شود. همچنین میزان دسترسی به سرویس و ایجاد محدودیت در آن سرویس منطقه به منطقه، از یک اپراتور به یک اپراتور و در ساعات مختلف نیز متفاوت است.»

به باور این کارشناس درست است که اینترنت به‌صورت سراسری قطع نشده، با این حال مشخص نبودن روند محدودسازی دسترسی‌ها و تفاوت در ساعات دسترسی به اینترنت کاربران را بیشتر از سال ۱۳۹۸ گیج و مبهوت کرده است. به اعتقاد پورخصالیان به‌دنبال عدم شفافیت و پاسخگو نبودن وزیر ارتباطات در این شرایط حالا اینترنت مانند فردی است که به خاطر تصادف به مرگ مغزی دچار شده و مشخص نیست آیا او از این مرگ مغزی نجات پیدا می‌کند یا خیر؟



سونیتا سراب‌پور



سونیتا سراب‌پور



ادامه از صفحه ۸

بدافزارها در کمین کاربران

بعد از راه اندازی رمز دوم پویا و استفاده از اپلیکیشن های رمزساز و پیامک شدن رمز برایشان، بیشتر هدف کلاهبرداری و فیشینگ قرار گرفتند و قربانی این تصمیم نادرست شدند، بدون اینکه خودشان بدانند یا بخواهند؛ چراکه این بار کلاهبرداران، تمرکزشان را روی توسعه بدافزارها گذاشتند. هر عقل سلیمی می داند که هیچ فرد عاقلی با قصد نصب یک بدافزار آن را نصب نمی کند و کلاهبرداران هم این را به خوبی می دانند. در نتیجه بدافزارها ممکن است در قالب یک بازی موبایلی، یک اپلیکیشن آموزشی یا حتی یک فیلترشکن روی موبایل ما نصب شوند. بدافزارهایی که بدون اینکه فرد خبر داشته باشد، از آنها دسترسی خوانش پیامک و مواردی از این دست را می گیرد و در زمان مناسب رمز پویای ارسال شده برای فرد را خوانش و بدون اینکه فرد مطلع شود، آن را از طریق بدافزار برای فرد کلاهبردار ارسال می کند. همین پدران و مادران ما که تا دیروز از یک رمز دوم نمی توانستند با خیال آسوده محافظت کنند، حالا باید به توانایی شناخت انواع بدافزارها مسلط می شدند تا مبادا حسابشان بدون اینکه خودشان خبر داشته باشند، خالی شود؛ توفقی که غیرمنطقی به نظر می آید. البته به این موضوع هم توجه داشته باشید که درباره صنعت مالی و بانکی صحبت می کنیم که افراد به راحتی و روشنی مسیر درست دریافت اپلیکیشن های بانکی و پرداختی را در دسترس دارند. اما اکنون در پدیده فراگیر شدن فیلترشکن ها، با فضای بسیار خطرناک تری روبه رو هستیم؛ چراکه دیگر از همان ابتدا همه در یک فضای تیره و تاریک و غیررسمی به دنبال نصب یک فیلترشکن هستند تا کارشان راه بیفتد و بدون داشتن کوچک ترین دانشی، هر اپلیکیشنی را که کسی تحت عنوان فیلترشکن به آنها معرفی کند، نصب می کنند؛ فضایی به شدت ترسناک که فرصت برای توسعه و فراگیری بدافزارها در قالب فیلترشکن ها را به راحتی ایجاد کرده و این موضوع، یکی از خطرناک ترین اتفاقاتی است که می تواند پیش روی عموم جامعه ایرانی باشد که در صورت تداوم فیلترینگ ها شاهد افزایش تصاعدی این پدیده خواهیم بود.

شماره ۶۷
مهر ۱۴۰۱
سال دوم

ریزش ۵۰ درصدی حجم تراکنش پرداخت پاره ها در ۱۱ روز

آمارهایی از تأثیر وضعیت اینترنت بر شبکه پرداخت

۱۱ روز است که اینترنت ایران با هدف کنترل اعتراضات خیابانی و قطع دسترسی به پلتفرم هایی چون اینستاگرام که گفته می شود حدود دو میلیون و ۴۰۰ هزار واحد صنفی از آن استفاده می کنند، به شدت محدود شده است. تبعات این محدودیت ها ابعاد گوناگونی دارد، اما مهم ترین و تأثیرگذارترین بُعد آن سقوط حوزه تجارت الکترونیکی و از دست رفتن درآمد کسب و کارهای خرد است. برای روشن شدن تبعات ملی شدن اینترنت با شرکت های پرداخت یار درباره حجم تراکنش ها قبل از قطع اینترنت و بعد از آن گفت و گو کردیم.

۳۰ تا ۶۰ درصد تراکنش ها از دست رفته اند

به گفته مدیرعامل پرداخت یار زیبال،



اختلال در وبسایت های ایرانی، عدم امکان برقراری ارتباط با خارج از کشور و عدم دسترسی مشتریان (مردم) به اینترنت، تراکنش های این شرکت را با ریزش ۵۵ درصدی روبه رو کرده است. مدیر مارکتینگ زرین پال هم از ریزش ۶۰ درصدی تراکنش های این پلتفرم واسطه که هم از عملکرد مشتری و هم از ضرر کسب و کار آسیب می بیند، خبر داد. مدیرعامل پرداخت یار و نادر تصریح کرده که قطعی اینترنت باعث توقف توسعه در این شرکت شده و تراکنش های ۴۰ تا ۶۰ درصد کاهش داده است. بنا بر اعلام مدیرعامل جیبیت، حجم تراکنش های این شرکت هم یک سوم تقلیل پیدا کرده و کمپین های تبلیغاتی تجارت الکترونیک را باید ایرانیان با وجود صرف هزینه های سنگین به دلیل در دسترس نبودن شبکه های اجتماعی هدر رفته اند.

به گفته محمد مهدی فاطمیان، مدیرعامل زیبال، از زمان قطعی سراسری اینترنت تراکنش های زیبال بیش از ۵۵ درصد، ریزش داشته اند. او ضمن بیان اینکه منشاء عمده آسیب های کسب و کارها از قطعی اینترنت است، نه اختلال آن گفت: «بسیاری از کسب و کارهای ایرانی بر سرورهای خارجی هلند و آلمان و... مستقر شده اند، وبسایت این کسب و کارها در ایام قطعی اینترنت به درگاه پرداخت در یافتی شان متصل نمی شود، سرورهای ایرانی هم برای سرورهای اصلی قابل مشاهده نیستند، حتی صاحب کسب و کار نمی تواند پرتال مدیریتی وبسایت خود را مشاهده کند یا به آن دسترسی داشته باشد.»

او ادامه داد: «در فرضی محال، اگر فردی موفق به خرید از وبسایت و انتقال به درگاه پرداخت شود هم صاحب کسب و کار متوجه این ثبت نمی شود.» به گفته او، مشکل دیگر کسب و کارهای مستقر بر سرورهای خارجی این است که نمی توانند در کالاهای خاص تغییر قیمت اعمال کنند و مشتری کالاها با قیمت قدیمی خریداری می کند.

او صراحتاً عنوان کرد که تعدادی از این کسب و کارها، به دلیل دسترسی نداشتن به پل مدیریتی خود، درگاه پرداخت شان را متوقف و لغو کرده اند.

فاطمیان ادامه داد: «دسته دیگری از مشتریان زیبال کسب و کارهای داخلی هستند که فعالیت شان به سرویس های مبتنی بر استعلام های خارجی وابسته است و در حال حاضر وبسایت شان غیرفعال شده است. کسب و کارهای کوچک هم که با جست و جوی مردم در گوگل دیده می شدند و روزانه دوالی سه سفارش ثبت می کردند، تراکنش های شان به صفر رسیده است.» به اعتقاد او، اختلال در وبسایت های ایرانی، عدم امکان برقراری ارتباط با خارج از کشور و عدم دسترسی مشتریان (مردم) به اینترنت عوامل ریزش تراکنش های کسب و کارها و کاهش درآمد زیبال هستند.

کاهش ۶۰ درصدی تراکنش های زرین پال

به گفته مدیر مارکتینگ زرین پال، بر اساس مقایسه ای از پنج روز ابتدایی قطعی اینترنت نسبت به پنج روز پیش از قطعی، حجم تعداد تراکنش ها در تمام دسته بندی های تجارت الکترونیک، از اپلیکیشن و وبسایت گرفته تا شبکه های اجتماعی ۶۰ درصد ریزش کرده است. حسین رستمی با اشاره به افت تراکنش های کسب و کارها گفت: «شبکه های اجتماعی ۶۰ درصد، دسته پوشاک ۷۰ درصد، شبکه های آنلاین ۷۵ درصد، خدمات وبسایت ۶۸ درصد و خدمات آموزشی ۵۶ درصد کاهش داشته اند.» او ادامه داد: «در همین بازه، تراکنش های دسته مذهبی ۵۹ درصد و خدمات گردشگری ۵۷ درصد رشد داشته اند.» به گفته او، گزارش ماه شاپرک گواه این آمارها خواهد بود. رستمی با بیان اینکه قطعی اینترنت کسب و کارها را به سه دسته تقسیم کرده، توضیح داد: «کسب و کارهایی هستند که تراکنش های شان به عدد صفر رسیده و کسب و کارهایی



غزل یگانگی



Ghazal28yeganegi@gmail.com

هم دسترس پذیری به مشتریان شان را از دست داده اند. دسته دیگر از کسب و کارها هم با وجود فعال بودن وبسایت و راه های ارتباطی از کاهش رغبت مشتریان به خرید، لطمه خورده اند.» او در خصوص تأثیر کاهش تراکنش های کسب و کارها بر زرین پال گفت: «کسب و کار زرین پال، کسب و کاری واسطه میان خریدار و فروشنده است، هر آسیبی از سمت فروشنده و خریدار اتفاق بیفتد، رابطه مستقیمی با ضرر زرین پال دارد.»

توقف توسعه به همراه ریزش ۶۰ درصدی

به گفته عبادی مدیرعامل و نادر، میزان تراکنش های و نادر در اصفاف مختلف بین ۴۰ تا ۶۰ درصد کاهش داشته است. تمام اصفاف از قطعی اینترنت آسیب دیده اند، اما بخش حمل و نقل و صنعت VOD با ۵۰ درصد کاهش در صدر ضربه از قطعی اینترنت قرار دارند. او ادامه داد: «کسب و کارهای کریپتویی نسبت به سایر بخش ها کمتر آسیب دیده اند.» او با بیان اینکه با قطعی اینترنت روند توسعه و نادر متوقف می شود، توضیح داد: «توسعه، مهم ترین عملیات روزمره شرکت های نرم افزاری مانند و نادر است که به سایر کسب و کارها سرویس ارائه می دهند. با توجه به وابستگی شرکت به منابع خارجی و سختی دسترسی به سرویس های خارجی، روند توسعه کند و به طور شفاف تر توسعه متوقف می شود.»



تقلیل تراکنش های جیبیت به یک سوم

مهدی شریعتمدار، مدیرعامل جیبیت که عموماً مشتریان آن شرکت های بزرگ هستند هم در این باره اعلام کرد که حجم تراکنش های مالی جیبیت به یک سوم تقلیل پیدا کرده است. به اعتقاد او، این کاهش به دو دلیل قطع شدن اینترنت در بازه زمانی مشخص و کاهش فعالیت های اقتصادی توسط عامه مردم در زمینه های خرید، سرمایه گذاری، رمزارز و... رخ داده است. او تأکید کرد: «یکی دیگر از حوزه های فعالیت جیبیت سرویس استعلامی و احراز هویت است که تحت تأثیر محدودیت های این روزها قرار گرفته و در دوران قطعی اینترنت تا ۳۰ درصد هم ریزش داشته است.»





ادامه از صفحه ۵۰

ریزش ۵۰ درصدی...

حمیدرضا ترابیان،
رئیس هیئت مدیره
تجارت الکترونیک
رایبید ایرانیان نیز
به صورت کیفی



پیامدهای قطعی اینترنت بر این شرکت را توضیح داد. به گفته او، بسیاری از مشتریان تجارت الکترونیک رایبید ایرانیان از اختلالات اینترنت و تأثیر آن بر کسب و کارها آگاه نیستند و موضوع را به عملکرد نادرست سامانه نسبت می دهند. او اظهار کرد که نارضایتی مشتریان افزایش پیدا کرده و حجم تماس های پشتیبانی چند برابر شده است، اما پاسخگویی های تلفنی هم دچار مشکل اند. او ادامه داد: «در شبکه های اجتماعی کمپین هایی با هزینه های قابل توجه برقرار شد و حالا که زمان نتیجه است، اینترنت قطع و هزینه زمان هدر رفته است.» به گفته او، در کنار اختلالات اینترنت، شایعات ملی شدن اینترنت و قطعی شبکه از جنبه های دیگر به کسب و کارها لطمه وارد می کند.

۷۵ درصد تراکنش ها کاهش پیدا کرده است

احمد رضا
منصوری، رئیس
کمپسیون
پرداخت یاری نصر
تهران و مدیرعامل



پی پی پی نیز فیلتر شدن اینستاگرام، توقف فعالیت کسب و کارهای خانگی و اینترنتی و کاهش درصد تراکنش های شبانه ناشی از قطعی اینترنت را از جمله عواملی می داند که به از دست رفتن پویایی مشاغل و سقوط چشم گیر اقتصاد کشور منجر می شوند. به گفته منصوری، آمارهای فعلی نشان می دهد در این مدت تعداد تراکنش ها ۷۵ درصد و درآمد ها ۸۰ درصد کاهش پیدا کرده است. به گفته او در این شرایط محدود هیچ فردی از خارج کشور هم نمی تواند پرداخت ها و خریدهای خود را انجام دهد و در نتیجه در این بخش هم شاهد پسرفت خواهیم بود. او تأکید می کند شرایط فعلی اینترنت حتی میل به خرید را هم کاهش داده است. او معتقد است تداوم عوامل مذکور، می تواند به تعطیلی کسب و کارهای پرداختی هم منجر شود.

بنیان گذاران شرکت جسورتر و جاه طلب تر بود. او در ابتدای مدیریتش به کارمندان گفت که قصد دارد ایمپرفکت را به اولویت مشتریان تبدیل کند. آن زمان ایمپرفکت ۵۷ میلیون دلار سرمایه جذب کرده بود. در سپتامبر ۲۰۱۹ نام شرکت تغییر کرد و کلمه تولید یا produce جایگزین غذاها یا foods شد. این تغییر نام اشاره به انواع مواد غذایی داشت که شرکت می خواست به وبسایت خود اضافه کند؛ از جمله شیر و تخم مرغ. بنابراین تصویر میوه های بدشکلی که روی آنها چشم های عروسی چسبانده شده بود و در وبسایت و تبلیغات ایمپرفکت بسیار سرگرم کننده بود، حذف شدند و به جای آنها عکس های سوسیس و پنیر گیاهی و کنگر فرنگی برشته با یک پس زمینه پاستلی گذاشته شد. ایمپرفکت همچنین از آمازون و تریدر جوز (Trader Joe's) نیروهای با استعدادی را استخدام کرد.

صرفاً چیزهای زشت زیادی وجود دارد که می توانید بخرید

در ابتدای پاندمی که قفسه فروشگاه ها خالی شد و فروش آنلاین افزایش یافت، ایمپرفکت به فروش بالایی رسید، اما نتوانست به مأموریت قبلی خود ادامه دهد، چه برسد به آنکه به فروش بالاتر برسد. کارمندان سابق ایمپرفکت به اینسایدر گفتند که فروش مواد غذایی اضافی و معیوب برای اداره یک خواربارفروشی کامل کافی نیست. یکی از کارمندان به زمانی اشاره کرد که ایمپرفکت حتی قادر به تأمین هویج نبود که یکی از اقلام اصلی غذایی است. یکی دیگر از کارمندان پیشین گفت: «در ایمپرفکت تنها چیزهای زشتی وجود دارند که می توانید آنها را بخرید.» نرخ سفارش هایی که بدون ایراد به دست مشتری می رسید، یعنی بدون آسیب و بدون مفقودی، ۸۰ درصد بود. یعنی از هر پنج سفارش یک سفارش مشکل داشت. اقلامی که به مشتری تحویل داده می شدند، شکسته و آسیب دیده و کپک زده بودند. به همین دلیل این شرکت نتوانست تجربه ای واقعی در بازار انبوه داشته باشد. با وجود این ایمپرفکت دامنه محصولاتش را گسترش داد. کارمندان پیشین شرکت گفته اند که در واقعیت از اینکه این محصولات به ضایعات تبدیل نشوند، جلوگیری نشد. کارمند سابق شرکت گفت: «بهن و تیمش در تلاش بودند مشکلات مربوط به افزایش مقیاس را که به دلیل پاندمی به وجود آمده بود، حل و فصل کنند، اما این شرکت برای زمانی که پاندمی به پایان می رسد، راهبردی در نظر نداشت و سرانجام مردم دوباره به خرید حضوری در فروشگاه روی آوردند.»

جاه طلبی برای بازار انبوه، سرمایه گذاران را جذب می کند

یافته های اینسایدر نشان می دهد که تا پایان سال ۲۰۲۰، میزان فروش شرکت به بیش از ۴۰۰ میلیون دلار رسیده بود، اما حجم فروش و سفارش در سه ماهه سوم آن سال سیری نزولی یافت. در اکتبر ۲۰۲۰، مدیران خبر از برنامه خود برای افزودن الکل، غذاهای منجمد و غذاهای آماده دادند. نوع مشتریانی نیز که این شرکت قصد جذبشان را داشت، تغییر کرد و هدفش تبدیل شدن به یک بازار انبوه تر بود. جاه طلبی های ایمپرفکت درباره بازار انبوه، سرمایه گذاران بزرگی را جذب می کرد. در می ۲۰۲۰، ایمپرفکت سرمایه ای ۷۲ میلیارد دلاری جذب کرد. این جذب سرمایه در یک دور سرمایه گذاری سری C، تحت هدایت شرکت اینسایت پارتنرز اتفاق افتاد (سرمایه گذاری سری C مربوط به استارت آپ هایی است که موفقیت و ثبات خود را نشان داده باشند). در ماه فوریه امسال، ایمپرفکت دور دیگری از جذب سرمایه را آغاز کرد که باز هم تحت نظارت شرکت اینسایت بود؛ سرمایه گذاری سری D به ارزش ۱۱۰ میلیون دلار که ارزش شرکت را به ۷۰۰ میلیون دلار می رساند. شرکت ایمپرفکت گفته که از بودجه جدید برای سرعت بخشیدن به رشد خود استفاده می کند.



مرگ تدریجی یک روایا

ایمپرفکت فودز زیرمجموعه بازار میسفیتز خواهد شد

و گفتند که این شرکت شش سال پس از راه اندازی و با در اختیار داشتن بودجه ۲۳۹ میلیون دلاری، راه خود را گم کرده است. ایمپرفکت دو مدیرعامل و نیمی از تیم مدیران ارشد خود را از دست داده و فروش آن در دوره همه گیری با کاهش مواجه شده است. بنیان گذاران ایمپرفکت فودز کار خود را با فروش میوه ها و سبزیجاتی آغاز کردند که با استاندارد سوپرمارکت ها مطابقت نداشت؛ برای مثال میوه هایی که کوچک بودند یا رنگشان تغییر کرده بود. عرضه محصولات در ایمپرفکت بسته به موجودی تأمین کنندگانشان متفاوت بود. یکی از کارمندان که زیر نظر سایمون به عضویت درآمد و اخیراً شرکت را ترک کرد، گفت: «افرادی جذب ایمپرفکت شدند که به چیزهای پایدار علاقه مند بودند.» مشتریان و کارمندان احساس خوبی داشتند که این میزان از مواد غذایی را از تبدیل شدن به زباله نجات دهند.

ایمپرفکت اولویت مشتریان شد؟

در سال ۲۰۱۹ که سایمون به دلایل سلامتی از سمت خود کناره گیری کرد، «فیلیپ بهن» (Philip Behn) که قبلاً در والمارت و مک کنزی کار می کرد، جایگزین سایمون به عنوان مدیرعامل شد. «چسلسر» (Chesler) نیز تا سال ۲۰۲۰ به عنوان مدیر ارشد نوآوری خدمت کرد و در هیئت مدیره شرکت باقی ماند. بهن در مقایسه با

ایمپرفکت فودز (Imperfect foods) یا شرکت غذاهای ناقص، زیرمجموعه بازار میسفیتز (Misfits Market) قرار خواهد گرفت. به گزارش اینسایدر این شرکت تلاش می کند مأموریت زیست محیطی خود را همچنان حفظ کرده و به ترکیب مدیران ارشد خود دست نزنند. بازار میسفیتز اعلام کرد که شرکت ایمپرفکت فودز را به مبلغی که هنوز تعیین نشده، خریداری خواهد کرد. ابھی رامش (Abhi Ramesh)، رهبری این شرکت را بر عهده خواهد داشت. او انتظار دارد که ایمپرفکت فودز تا سال ۲۰۲۴ به فروش یک میلیارد دلاری برسد و سوددهی قابل توجهی داشته باشد. بعضی از مدیران ایمپرفکت فودز به تیم راهبری میسفیتز خواهند پیوست.

راهی که گم شد

ایمپرفکت مانند بسیاری دیگر از استارت آپ هایی که در زمینه تحویل مواد غذایی فعالیت می کنند، در ابتدای پاندمی فروش خوبی داشت. چون خریداران به دنبال راهی برای خرید غذا از خانه بودند. شرکت ایمپرفکت در سال ۲۰۱۵ به عنوان یک استارت آپ راه اندازی شد و مأموریتش کاهش ضایعات مواد غذایی بود، اما پس از اینکه این شرکت با موفقیت اولیه ای رویه رو شد، از این هدف اصلی دور افتاد. طی یک سال گذشته، هفت کارمند این شرکت را ترک کردند



شماره ۶۷
مهر ۱۴۰۱
سال دوم



کارمندان قدیمی آمازون از صرفه جویی های بزوس گفته اند

خساست و حماقت

در ایمیلی که به یوجین کیم از اینساید با موضوع «کار در آمازون» ارسال شد، بیش از دوجین کارمند سابق آمازون که اکنون در گوگل کار می کنند، از اینکه کارفرمای سابق شان چقدر مقصد بوده است، شکایت کرده اند.

در یکی از این ایمیل ها، یکی از کارمندان سابق آمازون که در سال ۲۰۲۰ شرکت را ترک کرد، گفت که مدیران پروژه «لپ تاپ های تحت ویندوز» دریافت کرده بودند و می بایست ثابت می کردند برای کار به مک بوک های اپل نیاز دارند تا دستگاه ها را دریافت کنند.

اجبار کارمندان آمازون به درخواست دستگاه های کاری با کیفیت بالاتر، مثالی برای ساختن اصطلاح «فروپیدی» شد که در سراسر دفاتر آمازون گسترش یافته است. اتان ایوانز، مدیر سابق آمازون در یک پست وبلاگ توضیح داد که این اصطلاح ترکیبی از کلمات «خساست» و «حماقت» است. صرفه جویی در فرهنگ آمازون یکی از ۱۶ اصل رهبری این شرکت برای تصمیم گیری های تجاری است.

یکی دیگر از کارمندان سابق که در سال ۲۰۲۰ آنجا را ترک کرد، در ایمیلی گفت که تیم او فقط یک مانیتور کامپیوتر داشت. برای داشتن مانیتور دوم، کارمندان آمازون کارآموزانی برای تابستان استخدام می کردند تا او یک مانیتور دریافت کند. بعد از رفتن کارآموز، کارکنان از آن مانیتور استفاده می کردند. او گفت قرار بود مانیتورهای کارآموز تابستانی بازگردانده شوند، اما این کار را نمی کردیم. برخی از کارمندان گفته اند که با سایر کارمندانی که مسئولیت لوازم اداری را بر عهده دارند، دوست می شدند تا بتوانند یک شارژر لپ تاپ اضافی قرض کنند و تا زمان ترک شرکت آنها را نگه دارند. شدت صرفه جویی فراتر از دستگاه های کار بود. غلات صبحانه از آشپزخانه دفتر دو کارمند سابق حذف و به آنها گفته شد غلات صبحانه مطابق با طرز تفکر مقتصدانه نیست. طبق یک ایمیل، آمازون حتی نودل های فوری را با قیمتی بالاتر از یک فروشگاه نزدیک به دفتر می فروخت. همچنین گفته شده دو کارمند در جلسه ای مجبور شدند یک شیرینی را تقسیم کنند، زیرا بودجه برای سفارش بیشتر کافی نبود.



شماره ۶۷
۱۰ مهر ۱۴۰۱
سال دوم



بر سر دوراهی استخدام و اخراج

تمام موقعیت های شغلی که از متقاضیان دعوت به ارسال رزومه می کنند واقعی نیستند؛ چرا چنین اتفاقی در حال وقوع است؟

طرح جدید متا
برای کاهش هزینه ها
**این یک تجربه
جدید نیست**

اداری و هزینه ها از طرح میز داغ استفاده می کنند، اما اجرای این طرح به معنی نبود ایستگاه کاری دائمی برای اکثر کارکنان است. به گزارش ایندیپندنت، یکی از کارمندان متا نوشت: «آیا می توانیم اعضای بدن خود را قطع کنیم و آن را کاهش هزینه بنامیم؟» «هیچ کس این طرح را یک تجربه جدید نمی داند.» برخی دیگر گفته اند آنها با نوع بیان تصمیم خود مانند کودکان با ما (کارکنان) رفتار کرده اند. برخی از کارکنان اظهار کرده اند که کمتر به دفتر می آیند، زیرا باید یک میز رزرو کرده و آن را تنظیم کنند. یکی از کارکنان گفت برنامه ریزی برای این حرکت نشان می دهد که مدیریت رابطه اش را با واقعیت به صورت کامل و مطلق قطع کرده است.

به گزارش ایندیپندنت، کارمندان متا از برنامه های این شرکت برای معرفی میزهای داغ در دفاتر خود انتقاد کرده اند. بر اساس این گزارش، مالک فیس بوک و اینستاگرام گفت تجربه جدیدی را در محل کار آزمایش خواهند کرد. بر این اساس کارمندان باید قبل از رسیدن به دفتر، میزهای خود را رزرو کنند. کارمندان متا به طرح میز کار داغ در شبکه اجتماعی داخلی خود اعتراض کرده و فردی آن را «مضحک» خوانده است. سایر کارکنان گفته اند اجرا کردن این ایده به عنوان یک تجربه جدید متقلبانه است. بسیاری از شرکت های بزرگ برای صرفه جویی در فضای



تولید ناخالص متاورسی به جای تولید ناخالص داخلی

حاکم دومی می خواهد این شهر را به مرکز وب ۳ دنیا تبدیل کند

امارات متحده عربی نیز، اقتصاد این کشور در سه ماهه اول سال ۲۰۲۲ حدود ۸٫۲ درصد رشد کرد و انتظار می رود امسال تولید ناخالص داخلی واقعی ۵٫۴ درصد رشد کند. شیخ محمد بن راشد آل مکتوم، نخست وزیر امارات دلیل رشد سریع اقتصادی در سال ۲۰۲۲ را تجارت خارجی، افزایش قیمت نفت و گردشگری می داند. وی جهت اثبات گفته خود به افزایش ۴۲ درصدی تعداد مهمانان هتل در سال جاری در ۱۱ سپتامبر اشاره کرد.

استراتژی متاورسی امارات متحده عربی

در استراتژی متاورسی امارات متحده عربی چند بخش اصلی وجود دارد که عبارت اند از: گردشگری، آموزش، خدمات دولتی، خرده فروشی و املاک و مستغلات. در واقع این بخش ها معیار سنجش و ارزیابی استراتژی متاورسی این کشور هستند. وزیر امارات در این باره اعلام کرده که قرار است به زودی یک کارگروه برای تقویت گردشگری در کشور راه اندازی شود و به ارتقای این استراتژی کمک کند. علاوه بر این، وزارت اقتصاد امارات گفته که قصد ایجاد یک دفتر و سالن مجازی را برای برگزاری جلسات و امضای قراردادها در متاورس دارد.

البته طرح های متاورسی امارات به همین جا ختم نمی شوند. طرح های دیگر شامل اعطای مجوزهای عملیاتی به صرافی های باینس و کریپتو دات کام، مشارکت با آن استاپل دامینز و امکان پرداخت با بیت کوین برای هواپیمایی امارات است. با توجه به این طرح های متعدد، ظاهراً امارات متحده عربی در مورد ایجاد شاخص تولید ناخالص متاورسی جدی است و احتمالاً در قدم بعدی باید ثابت کند که ارزش بازار ابتکارات متاورس بالا و چشم گیر است.

امارات متحده عربی قصد دارد اقدام جسورانه ای در حوزه کریپتو و اقتصاد انجام دهد. همان طور که می دانیم، معیار سنجش اقتصاد به طور سنتی تولید ناخالص داخلی یا GDP است، اما امارات می خواهد معیار جدیدی را با عنوان تولید ناخالص متاورسی یا GMP معرفی کند. در واقع هدف از این کار افزایش پذیرش این طبقه دارایی توسط دولت است، ولی باید دید این شاخص جدید چقدر می تواند مورد قبول واقع شود.

عمر بن سلطان العلماء، وزیر دولت در امور مربوط به هوش مصنوعی، اقتصاد دیجیتال و برنامه های دورکاری در مجمع متاورس دومی تصمیم خود را مبنی بر ورود همه جانبه به دنیای کریپتو و وب ۳ اعلام کرد. هدف امارات متحده عربی این است که ثابت کند متاورس ارزش بازار بالا و توانایی رقابت با برخی از بزرگ ترین اقتصادهای جهان را دارد. العلماء ادامه داد: «تولید ناخالص متاورسی می تواند میلیاردها دلار درآمد برای دومی ایجاد کند. مردم بدون اینکه در دومی حضور فیزیکی داشته باشند، می توانند آن را در متاورس ببینند.»

با اینکه بخش خصوصی مجری و مسئول اکثر پروژه های متاورسی است، اما امارات متحده عربی می خواهد نشان دهد که یک دولت هم می تواند اختیار ظرفیت های متاورس را در دست بگیرد. با این کار دولت امارات می تواند قوانین نظارتی خود را داشته باشد و این قوانین لزوماً بر پروژه های خصوصی اعمال نمی شوند.

بزرگ ترین اقتصادهای جهان

در مورد میزان تولید ناخالص داخلی باید افزود که آمریکا با ۲۳ تریلیون دلار رتبه اول و چین با ۱۷ تریلیون دلار رتبه دوم را در جهان دارند. بر اساس گزارش بانک مرکزی

می کنم، با نحوه فکر کردن خود در مورد چگونگی انجام کار استراتژیک مشکل دارند، زیرا روش های پیشبرد کسب و کارشان به سرعت در حال تغییر است. آنها نمی دانند به چه کسی یا چه چیزی نیاز دارند، بنابراین در مورد استخدام نیز مردد هستند.»

علاوه بر این، آنها به دلیل ترس از رکود اقتصادی در آینده، نسبت به تعهد دچار تردیدند. به همین دلیل است که برخی از مدیران فکر می کنند، رئیس هم به من گفته است که یک نفر را استخدام کنم، اما آیا باید سه ماه دیگر او را اخراج کنم؟

مراقب تأثیر منفی باشید

ویلیام استون هاوس، مدیر استخدام کرافورد توماس، شرکت نیرویابی مستقر در اورلاندو که جویندگان کار را با شرکت های فورچون ۱۰۰۰ مطابقت می دهد، گفت به اغلب کارفرمایان در مورد خطرات آگهی کردن موقعیت های شغلی کاذب هشدار می دهد.

او گفت: «بسیاری از کسب و کارها تأثیری را که فرایند منفی استخدام می تواند بر متقاضیان و کاندیداهای آینده داشته باشد، درک نمی کنند. اگر لیست های شما گورستان جایگاه های شغلی قدیمی است و کاندیدها در حال آبلود رزومه های خود در یک سیاهچاله هستند، باید بدانید که در حال ایجاد شرایط خوبی نیستید. مردم می خواهند با آنها با عزت و احترام رفتار شود.»

در جستجوی نیروی بهتر

استخدام کنندگان می گویند دلایل زیادی وجود دارد که چرا شرکت ها ممکن است موقعیت های شغلی موجود با فوریت کمتر را لیست کنند. گاهی اوقات آنها می خواهند این تصور را ایجاد کنند که شرکت در حال رشد است، اما در یک اقتصاد تورمی، رشد گران است، بنابراین آنها شانس خود را امتحان می کنند.

آنها گاهی اوقات این جایگاه های شغلی را به دلیل رؤیابافی های خود در مورد درخواست یک کاندیدای عالی از لیست حذف نمی کنند. مواقع دیگر ممکن است برای آرام کردن کارمندان خسته خود یک جایگاه شغلی وارد لیست کنند تا نشان دهند که حداقل در تلاش هستند تا کمک بیشتری استخدام کنند.

برخی از مشاغل نیز متقاضیان فراوانی دارند، مانند توسعه دهندگان اپلیکیشن و مهندسان نرم افزار. کارفرمایان ممکن است این فرصت های شغلی را به امید اینکه متقاضی بهتری وجود داشته باشد، از لیست خود حذف نکنند.

ویل، فردی که نام واقعی اش مخفی، اما برای اینسایدر شناخته شده است، گفت: «پس از فرستادن رزومه برای بیش از ۳۰۰ جایگاه شغلی در شش ماه گذشته و بدون حتی یک دعوت به مصاحبه، دیگر زحمت خواندن شرح شغل یا درخواست کمک از شرکت های کاریابی را به خود نمی دهم.»

اوروزی ۶ تا ۱۰ ساعت را در لینکدین صرف پر کردن فرم های درخواست کار می کند، اما می گوید که او و هممتاوانش با مدارک مشابه - مدرک کارشناسی ارشد و MBA از مدارس عالی - شانسی برای مصاحبه ندارند.

ویل که قصد دارد به عنوان مشاور کار کند، گفت: «من همه مطالب در مورد اینکه چگونه شرکت ها نمی توانند به سرعت افراد را جذب کنند و چگونه این همه فرصت شغلی وجود دارد، می بینم، اما تجربه شخصی خودم را نیز می بینم. کاندیداهای واجد شرایط زیادی را مشاهده می کنم که نمی توانند فرصت مصاحبه بگیرند یا شغلی پیدا نمی کنند و با خودم می گویم چیزی در سیستم اشکال دارد.»

موقعیت شغلی کاذب یا واقعی؟

این امر در بازار بسیار پر رقابت کاری فعلی تبدیل به یک معما شده است. در حالی که بسیاری از کارفرمایان نمی توانند به تعداد کافی نیروی کار پیدا کنند، برخی از نامزدهای واجد شرایط برای مشاغل موجود درخواست می دهند، ولی جوابی دریافت نمی کنند.

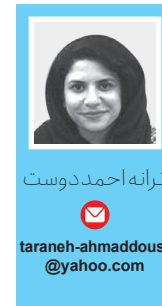
گاهی اوقات متقاضیان توسط کارفرمایان نادیده گرفته می شوند، اما این مسئله جدیدی نیست.

اخیراً سوالاتی در مورد اینکه آیا آگهی های شغلی یک شرکت واقعاً منعکس کننده موقعیت های موجود هستند یا شامل «موقعیت های شغلی کاذب» نیز می شوند، مطرح شده است. منظور از موقعیت های کاذب فهرستی از مشاغلی است که کارفرمایان دیگر به طور فعال برای آنها استخدام نمی کنند.

برخی از کارفرمایان می گویند که موقعیت های کاذب در حال افزایش است، زیرا سطح عدم اطمینان در دو سال و نیم گذشته رو به افزایش بوده است. آنها به دلیل کمبود مداوم نیروی کار و گردش مالی زیاد، دیگر نمی توانند رفتار و جریان کاندیدها یا متقاضیان را به طور دقیق پیش بینی کنند. این امر، همراه با کندی اقتصاد، فضای نامطمئنی را ایجاد کرده است.

نگرانی از آینده

پت پتیتی، مدیرعامل کاتالان، پلتفرم آنلاینی که مشاوران مستقل را برای پروژه های شرکت های بزرگ به هم متصل می کند، گفت: «شرکت هایی که من با آنها صحبت



ترانه احمد دوست
taraneh-ahmaddoust@yahoo.com



شماره ۶۷
۱۰ مهر ۱۴۰۱
سال دوم

برای کاهش نیروی کار و رهایی از کارکنانی که عملکرد ضعیفی دارند، سخت گیری بیشتری روی اهداف عملکردی خواهد داشت.



یکی دیگر از کارمندان نوشت: «به خدا قسم تغییر فرایندی که جواب می دهد، جایگزین کردن آن با یک گزینه وحشتناک و به درنخور و اجبار همه به پذیرش این تغییر، همان کاری است که متا همیشه انجام می دهد.» سایر کارمندان متا به شرکت های دیگری که از طرح میز داغ استفاده می کنند، اشاره کرده و گفته اند این طرح می تواند پس از اجرا قابل مدیریت باشد. متا در سال جاری اقداماتی را برای کاهش هزینه ها انجام داده است. این شرکت در ماه می به کارکنان گفت به دلیل «رشد آهسته تر درآمد از آنچه پیش بینی می شد» استخدام را متوقف می کند. سپس بنیان گذار و مدیر اجرایی، مارک زاکربرگ، در ماه ژوئیه به کارکنانش گفت





اختراع لوله خلاً؛ پیشگامانه ترین اقدام تاریخی در مسیر تولید رایانه های مدرن

یک گام بزرگ فناورانه

اختراع لوله خلاً، پیشگامانه ترین اقدام تاریخی در مسیر تولید رایانه های مدرن است. تقریباً هر آنچه برای پیشرفت فناوری رایانه ساخته شده بود، ریشه در کارکرد لوله خلاً داشت. جان امبروز فلمینگ را به دلیل این اختراع در جایگاه پدر الکترونیک قرار می دهند. بدون اختراع لوله خلاً شاید اثری از رایانه های مدرن نبود.

فلمینگ که در کنار جیمز کلرک ماکسول به متخصص برق تبدیل شده بود، در جست و جوی راهی برای بهبود انتقال امواج رادیویی، لوله خلاً را ساخت تا با تولید تابش حرارتی شکلی قوی تر از ارتباطات رادیویی را ایجاد کند. لوله خلاء اصلی که به عنوان دیود نیز شناخته می شود، جریان متناوب را به جریان مستقیم تبدیل می کرد. پس از آن تریود اختراع شد که در آن سه الکتروود فعال با هم کار می کردند تا صدا را تقویت کنند. پنتود مدت کوتاهی پس از آن ساخته شد؛ پیش از اینکه مگنترون اختراع شود و در تقویت صدا پیشرفت بیشتری ایجاد کند.

انیاک (ENIAC)

دستگاه محاسبه الکترونیکی با نام انیاک نخستین رایانه ای بود که در آن از لوله خلاً استفاده شد. در واقع برای ساخت انیاک از ۱۸ هزار لامپ خلاً استفاده شد که امکان ارسال سیگنال ها و انجام محاسبات را با سرعتی بیشتر از سوئیچ مکانیکی فراهم می کرد. از آنجا که انیاک برای روشن ماندن و ادامه کار به مقدار زیادی

برق نیاز داشت، بسیاری از افراد انتظار داشتند که به سرعت خراب شود. با این حال لوله خلاً برخلاف انتظارات توانست کارآمدی خود را در انیاک نشان دهد و تبدیل به یک الگو در مسیر تولید نسل های بعدی رایانه های کارآمد شود.

دوران ترانزیستور

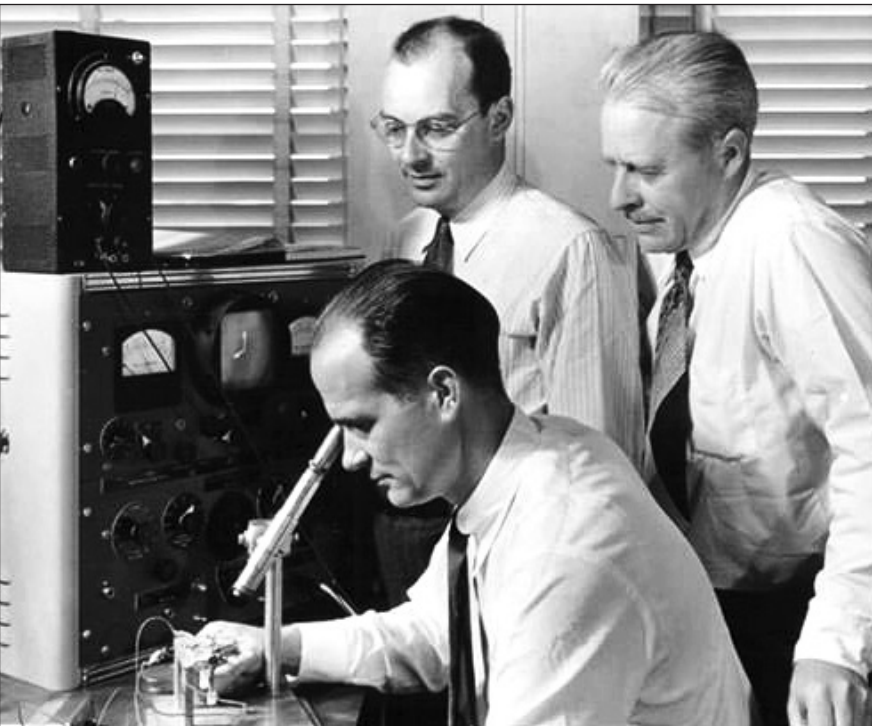
در حالی که لوله خلاً کاملاً سازگار با اهداف ساخت خود عمل می کرد، دانشمندان به دنبال پدیده ای کاربردی تر و کارآمدتر برای جایگزینی بودند. همکاری ویلیام شاکلی، جان باردین و والتر براتین به اختراع ترانزیستور منجر شد که توانست جایگزین لوله خلاً شود. ترانزیستور کارآمدتر از لوله خلاً بود و به توان کمتری نیاز داشت. این پیشرفت نه تنها فناوری رایانه را دگرگون ساخت، بلکه به کوچک تر و باصرفه تر شدن آنها نیز کمک کرد و سرعت بیشتری را نیز فراهم آورد. به این ترتیب ترانزیستورها به پله ای بین لوله های خلاً و فناوری مدرن رایانه ها تبدیل شدند.

فناوری رایانه پس از لوله خلاً

فناوری های رایانه ای از روزگار لوله خلاً به سرعت پیشرفت کرده، اما حوزه محاسبات بدون این اختراع مهم به جایگاه امروز خود نمی رسید. مدارهای مجتمع (IC) بر پایه ترانزیستور متولد شد که امروزه در بسیاری از تجهیزات از رایانه ها تا کنسول های بازی یافت می شود.

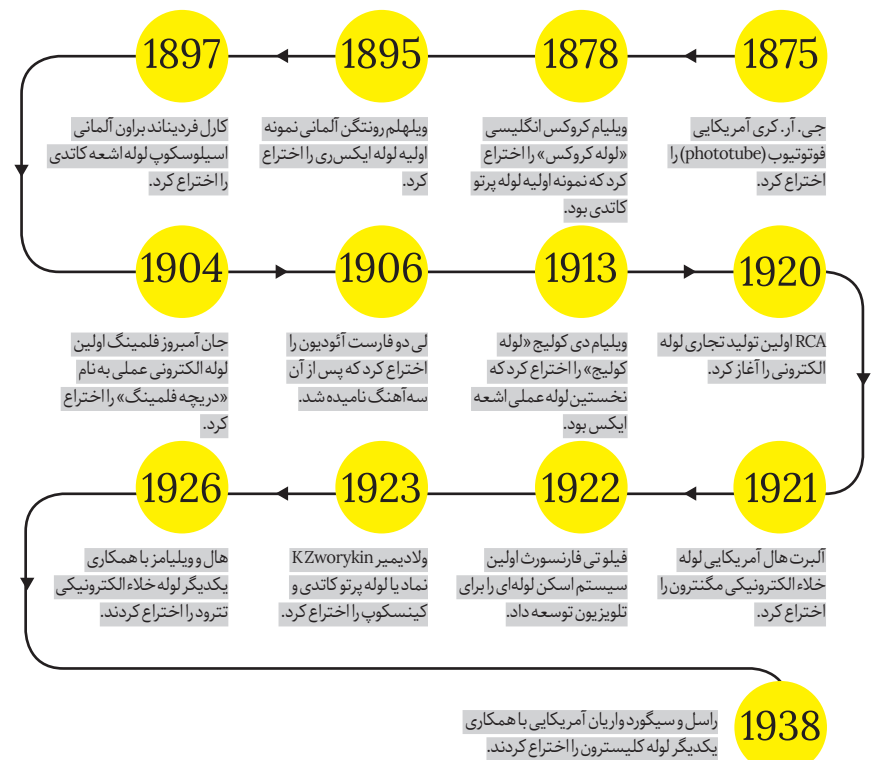


شماره ۶۷
۱۰ مهر ۱۴۰۱
سال دوم



معجزه لوله خلاً در دنیای الکترونیک

دستگاه های حاوی لامپ یا لوله خلاً امروز کم و بیش منسوخ شده اند، اما در دوران اوج خود زیربنای طراحی بسیاری از سامانه های الکترونیکی، از رادیو گرفته تا تلفن و رایانه را شکل می دادند





بی‌انگیزگی از کجانشئت می‌گیرد و چطور می‌توانیم آن را از خود دور کنیم؟

در جازدنی به نام بی‌انگیزگی

می‌رسیم، اما هرگز نمی‌توانیم ارزش‌ها را به‌طور کامل محقق کنیم. مثلاً ثروتمند شدن برای من ارزش است، اما آیا کسی می‌تواند برای ثروتمند شدن سقفی تعیین کند؟ یا بر فرض برای من صادقانه زیستن ارزش است، اما کسی می‌تواند برای صداقت میزانی تعریف کند؟ وقتی هدف من این است که مثلاً به وزن ۶۰ کیلوگرم برسم، این امر با تلاش و برنامه‌ریزی بالاخره قابل دستیابی است؛ بنابراین این‌طور به نظر می‌رسد که هرچه بر مدار ارزش‌ها زندگی کنیم، انگیزه بیشتری برای زیستن خواهیم داشت، چون با محقق شدن هدف یا باید هدف دیگری تعیین کنیم یا دچار بی‌انگیزگی خواهیم شد.

اینها می‌تواند از مهم‌ترین دلایل بی‌انگیزگی باشند، اما راهکار چیست؟

● **سالم‌زیستن:** تلاش برای سالم‌زیستن نمونه‌ای از عشق‌ورزیدن به خویش است، مهربانی کردن با خود است برای خلق تجربه‌های بهتر که قدرت انگیزه‌دادن به هر انسانی را دارد. نکته قابل تأمل این است که سالم‌زیستن طیف وسیعی از

فعالیت‌ها را دربر می‌گیرد و فقط معطوف به بهبود ساختار جسم نمی‌شود. شرکت در فعالیت‌های داوطلبانه، سپری کردن زمان‌هایی در طبیعت با هدف خدمت به روان و تعالی آن، اختصاص زمانی برای مطالعه و کسب دانش، معاشرت با انسان‌هایی که به آنها عشق می‌ورزیم، معنویت و بسیاری از فعالیت‌های دیگر گونه‌هایی از سالم‌زیستن هستند.

● **کسب دانش و مهارت‌های جدید:** کسب مهارت‌های جدید یعنی جرئت برای ترک موقعیت به‌ظاهر امن با هدف تجربه کردن ناشناخته‌ای (نوعی ناامنی) و به چالش کشیدن توانمندی‌هایمان. این وضعیتی است که اکثر ما انسان‌ها از مواجهه با آن می‌هراسیم.

بسیار پیش آمده که در جایگاه انسان حتی با شرایط مطلوب زندگی از بی‌انگیزگی رنج ببریم. انگار هیچ فعالیتی خوشحال‌مان نمی‌کند و انرژی روانی‌مان به شدت پایین می‌آید. اینکه این وضعیت را تجربه می‌کنیم، کاملاً طبیعی است، اما ماندن در این مرحله است که مانند باتلاقی گرفتارمان می‌کند و تمایل به حفظ وضعیت سکون و بی‌حرکتی داریم. اما این بی‌انگیزگی از کجانشئت می‌گیرد؟

مانند هر اتفاقی در زندگی‌مان، پیش‌آمدن این مورد هم به عوامل متعددی بستگی دارد:

* باز نگاه داشتن پرونده‌های نیمه‌کاره: بله درست خواندید! بسیاری از ما گاهی از روی عادت، گاهی به خاطر کمال‌گرایی‌مان و گاهی برای فرار از تنهایی، بدون اینکه یادگیری مهارتی را به‌طور کامل بیاموزیم، به سراغ مهارتی دیگر می‌رویم! با انسانی در رابطه هستیم و به هر دلیلی ادامه رابطه با مشکل مواجه می‌شود، حال بدون اینکه تکلیف‌مان را با این رابطه مشخص کنیم، به سراغ رابطه دیگری می‌رویم و تمامی این موارد یعنی پرونده‌های نیمه‌کاره، زمانی به خودمان می‌آییم و می‌بینیم با حجم زیادی از رویدادها و مهارت‌ها و انسان‌هایی روبه‌رویم که نمی‌دانیم باید با آنها چه کنیم؟!

● **تجربه فقدان:** فقدان یعنی از دست دادن موضوع یا موقعیت دوست‌داشتنی، با وجود تلاش برای حفظ آنها. تجربه فقدان ناگزیر است و به حکم انسان بودن‌مان حتماً با آن مواجه خواهیم شد.

● **غریبه‌بودن با ارزش‌ها:** ارزش‌ها محتوایی هستند که در ابتدای زندگی‌مان توسط مفاهیم تربیتی و فرهنگی و آموزه‌های خانوادگی برایمان تعیین می‌شوند و در طول مسیر توسط تجربیاتی که فرد بعدها کسب می‌کند، متغیر است. گاهی ارزش‌ها با توجه به تفاوت ظریفی که با اهداف دارند، اشتباهاً هم‌معنی گرفته می‌شوند و آن تفاوت ظریف این است که غالباً ما با تلاش به اهداف‌مان



قطعات الکترونیکی بود. فناوری CRT نیز در کنار لوله‌های خلأ برای کارهای محاسباتی و تولید صدا در دهه ۱۹۴۰ توسعه یافت که به خوبی تا قرن بیست و یکم باقی ماند. پس از آنکه گرایش بازار از تلویزیون‌های قدیمی به سمت تلویزیون‌های صفحه تخت رفت، لوله‌های خلأ چیرگی خود بر بازار محصولات حوزه صدا را حفظ کرد. با این حال، لوله‌های خلأ در دنیای مدرن امروزی کاربردهای شگفت‌انگیزی دارند و حتی ممکن است آینده روشن‌تری در انتظارشان باشد.

ترازن‌یستور متولد شد، اما لوله خلأ زنده است

سه فیزیکدان به نام‌های ویلیام شاکلی، والتر براتین و جان باردین در سال ۱۹۴۷ نخستین ترانزیستور جهان را ساختند تا آغاز پایان لوله خلأ رقم بخورد. ترانزیستور می‌توانست تمام عملکردهای لوله‌های خلأ مانند سوئیچینگ و تقویت را تکرار کند، اما به جای ورقه‌های فلزی در لوله خلأ از مواد نیمه‌رسانا ساخته شده بود. هنگامی که این سه دانشمند این پدیده جدید را از کیسه خارج کردند، راه خاموش کردن لوله‌های خلأ در همه زمینه‌ها به جز برخی کاربردهای ویژه هموار شد. ترانزیستورها بسیار بادوام‌تر هستند (لوله‌های خلأ مانند لامپ‌ها در نهایت باید تعویض شوند)، ترانزیستورها بسیار کوچک‌تر هستند (دو میلیارد در یک تلفن همراه امروزی) و برای کارکرد به ولتاژ بسیار کمتری نیاز دارند (رشته فلزی که نیاز به گرمایش داشته باشد در ترانزیستور وجود ندارد)؛ اما لوله‌های خلأ کاملاً منقرض نشده‌اند و از کاربردهای ویژه مفید هستند. برای مثال لوله‌های خلأ هنوز در فرستنده‌های RF با قدرت بالا به‌کار می‌روند، زیرا می‌توانند قدرت بیشتری نسبت به معادل‌های نیمه‌رسانای مدرن تولید کنند. به همین دلیل می‌توان در شتاب‌دهنده‌های ذرات، اسکنرهای MRI و حتی اجاق‌های مایکروویو لوله‌های خلأ را یافت. شاید جذاب‌ترین کاربرد مدرن لوله‌های خلأ در دنیای موسیقی باشد. علاقه‌مندان به صدا کیفیت تقویت‌کننده‌های صوتی لوله خلأ را دوست دارند و صدای آنها را به تقویت‌کننده‌های نیمه‌هادی ترجیح می‌دهند.

در سال ۱۹۷۸ امرالد سیتی گیتارز مبلغ ۱۵۹ هزار دلار برای یک آمپلی‌فایر (تقویت‌کننده) سفارشی ساخته‌شده از لوله‌های خلأ درخواست کرد. این تقویت‌کننده که برای مرل هاگارد (Merle Haggard) ساخته شد، در آن زمان گران‌ترین تقویت‌کننده موجود برای خرید در جهان بود.

پدیده‌ای به نام ترانزیستور را می‌توان در هر وسیله برقی امروزی از ساعت زنگ‌دار گرفته تا تلفن، رایانه و تلویزیون پیدا کرد. امروز میلیاردها ترانزیستور پیرامون ما وجود دارد که در جایگاه اتم‌های سامانه‌های محاسبات امروزی کار می‌کنند تا امکان پردازش و محاسبات را در اختیار دستگاه‌های الکترونیکی قرار دهند. اختراع ترانزیستور در سال ۱۹۴۷ دری را به دنیای اطلاعات باز کرد که امروز به خوبی آن را می‌شناسیم. گرچه رایانه‌ها، به شکلی ابتدایی پیش از اختراع ترانزیستور نیز وجود داشتند؛ غول‌های فناوریانه و عظیمی که فضای اتاق‌ها را اشغال می‌کردند، هزاران کیلو وزن داشتند، اما قدرتی کمتر از رایانه‌هایی که امروز می‌توانیم در جیب‌هایمان قرار دهیم، در اختیار می‌گذاشتند. عنصر کلیدی در ساخت آن رایانه‌های غول‌پیکر نه ترانزیستور بلکه پدیده‌ای به نام در پیچه‌های ترمیونیک بود که بیشتر به نام لوله‌های خلأ (Vacuum Tube) معروف هستند. آن دستگاه‌های حاوی لامپ یا لوله خلأ امروز کم‌وبیش منسوخ شده‌اند، اما در دوران اوج خود زیربنای طراحی بسیاری از سامانه‌های الکترونیکی، از رادیو گرفته تا تلفن و رایانه را شکل می‌دادند.

انتشار ترمیونیک

اساس کار لوله خلأ پدیده‌ای به نام انتشار ترمیونی شکل می‌دهد؛ به این گونه که یک قطعه فلز را گرم می‌کنند و انرژی حرارتی به آزاد شدن تعدادی الکترون می‌انجامد. فیزیکدان انگلیسی، جان امبروز فلمینگ در سال ۱۹۰۴ از این اثر استفاده کرد تا نخستین دستگاه لوله خلأ را بسازد که آن را در پیچه نوسانی (Oscillation Valve) نامید. هنگامی که یک قطب فلزی به نام کاتد گرم می‌شود، موجب آزاد شدن الکترون از طریق پدیده‌ای به نام گسیل ترمیونی می‌شود، سپس با وارد کردن یک ولتاژ مثبت به قطب دیگر (آند که صفحه نیز نامیده می‌شود)، الکترون‌ها جذب می‌شوند و به این ترتیب می‌توانند جریان پیدا کنند. اگر هوا از لوله خارج و خلأ ایجاد شود، الکترون‌ها مسیر روشنی از کاتد تا آند را می‌پیمایند که موجب ایجاد جریان می‌شود.

مخترع آمریکایی لی دو فارست (Lee de Forest) در سال ۱۹۰۷ با اضافه کردن یک الکتروتود دیگر به این ترکیب توانست نخستین لوله تریود را بسازد. الکتروتود سوم که شبکه کنترل نامیده می‌شود، لوله خلأ را قادر ساخت نه تنها به عنوان یکسوکننده بلکه به عنوان تقویت‌کننده سیگنال‌های الکترونیکی نیز عمل کند. شبکه کنترل که به شکل یک شبکه توری است، بین کاتد و آند قرار می‌گیرد و با تنظیم ولتاژ اعمال‌شده به این شبکه امکان کنترل تعداد الکترون‌هایی که از کاتد به آند جریان می‌یابند، فراهم می‌شود. به این ترتیب لوله تریود می‌تواند به عنوان کلید روشن/خاموش برای جریان الکترونیکی و همچنین تقویت‌کننده سیگنال به کار آید.

اما چرا هنگامی که می‌توان چهار الکتروتود در اختیار داشت، روی سه الکتروتود توقف کنید؟ بنابراین پیشرفت‌های بیشتری در ساخت لوله‌های خلأ با قرار دادن شبکه اضافی به نام شبکه صفحه نمایش و شبکه دیگری به نام شبکه کاهنده ایجاد شد که به ساخت لوله‌هایی به نام تترود و پنتود منجر شد. شبکه‌های اضافی در لوله‌های خلأ برخی از مشکلات پایداری را حل کرد و پاره‌ای از محدودیت‌های طراحی تریود را کنار زد، اما عملکرد تا حد زیادی یکسان باقی ماند.

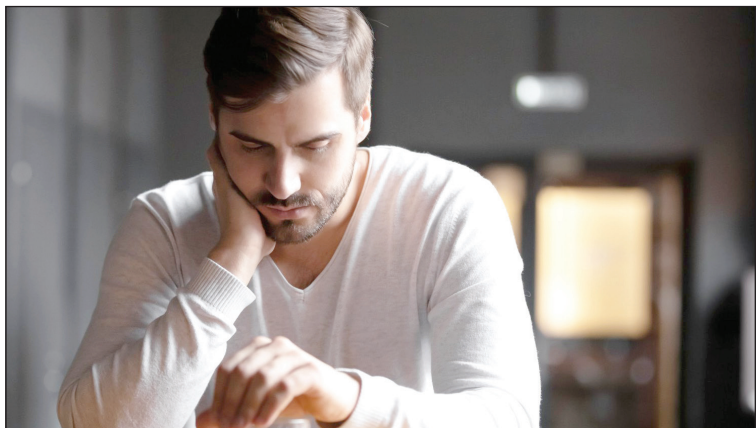
وزن یک دستگاه تلویزیون ۴۰ اینچی سونی مدل Trinitron CRT که در سال ۲۰۰۲ ساخته شد، معادل ۱۳۶ کیلوگرم بود. این تلویزیون که برای صفحه نمایش خود از یک لامپ اشعه کاتدی (CRT) برای نمایش تصویر استفاده می‌کرد، در واقع مجهز به یک لوله خلأ



شماره ۶۷
۱۰ مهر ۱۴۰۱
سال دوم



آزاده پارسافر
کارشناس ارشد روانشناسی بالینی
a.parsafar.edu@gmail.com



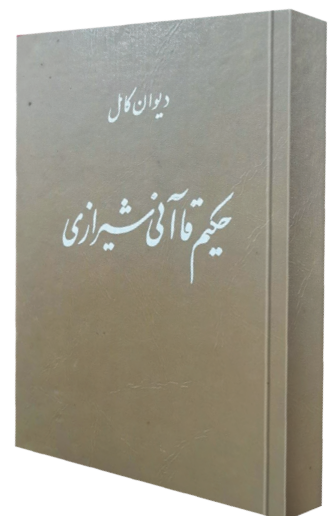


نصایح قآنی در دوری گزیدن از اندیشه های پلید

کوش که از سیرت بدواری

میرزا حبیب‌الله شیرازی (۱۲۷۰-۱۲۳۳ ه. ق.) که او را به نام قآنی می‌شناسیم، شاعر نامدار اهل شیراز و فرزند محمدعلی گلشن بود. وی در سفری به تهران پس از سرودن شعری در مدح فتحعلی شاه، لقب مجتهد الشعرا را گرفت. قآنی در ادبیات عرب و فارسی ماهر بود و با زبان‌های فرانسه و انگلیسی نیز آشنایی داشت؛ او از استادان ریاضیات، کلام و منطق بود و دیوان شعرش بالغ بر ۲۰ هزار بیت است. قآنی کتابی به نام «پریشان» نیز دارد که به سبک گلستان سعدی نوشته شده است. قآنی درباره دوری گزیدن از اندیشه‌های پلید می‌گوید:

الای نبوشنده هوشیار
یکی نغز گفت آرمت گوش دار
به گیتی بسی رفت گفت و شنید
که تا آفرینش چه سان شد پدید
به اندازه وهم خود هرکسی
سخن‌های بیپوده راند بسی
چو مرد از خرد ره ندادند برون
خرد را شمارد همی رهنمون
گرش از خرد راه بیرون بدی
شناسایی اش لختی افزون بدی
جا چو کند سیرت بد در بدن
روح گریزد به ضرورت زتن
کوش که از سیرت بدواری
تا به سرای ابدی پا نهی
هرکه به جان سیرت بد ترک کرد
صحبت نیکان جهان درک کرد



اثر ازدهایی

ولادیمیر خان پوتین، همین حالا پوتین‌هایش را پایش کرده، کاپشنش را پوشیده و وسط سرمای جان‌سوز مسکو منتظر زمستان است تا گاز بدهد... ببخشید؛ تا گاز ندهد. بله دیگر، بخت و اقبال همین است. ممکن است شما همین طوری توی مملکت خوابیده باشی روی شیر گاز

۱ خب همان طور که می‌دانید فصل پاییز در راه است و شاعران و عاشقان و دانش‌آموزان و حساسان فصلی هرکدام به شکلی منتظر این فصل رنگی هستند، اما در یک گوشه دیگر کره زمین، بعضی از دوستان دارند از تابستان صاف می‌افتند وسط سر سیاه زمستان. یعنی شما فکر کن آدم چقدر باید بدقبال باشد که مثلاً وقتی دارد کنج آشپزخانه خودش نارنگی اش را می‌خورد و به این فکر می‌کند آن روز برای فرار از کرنا چه خاکی به سرش بریزد، یکهو یکی دیگر توی یک جای دیگر به یکی دیگر حمله کند و این وسط گاز این طفلک نارنگی خور قطع شود.

۲ این دیگر اسمش «اثر پروانه‌ای» نیست، بهتر است بهش بگوییم «اثر ازدهایی» یا یک چیز توی این مایه‌ها.

۳ ولادیمیر خان پوتین، همین حالا پوتین‌هایش را پایش کرده، کاپشنش را پوشیده و وسط سرمای جان‌سوز مسکو منتظر زمستان است تا گاز بدهد... ببخشید؛ تا گاز ندهد. بله دیگر، بخت و اقبال همین است. ممکن است شما همین طوری توی مملکت خوابیده باشی روی شیر گاز. آن وقت اگر اجازه آن شیر گاز دست خودت باشد می‌دانی چه کارها می‌توانی بکنی؟

۴ زمستان در راه است و این وسط صاحبان کسب‌وکار در اروپا هم همان‌طور که دارند پالتوها و پوستین‌هایشان را آماده می‌کنند، از طرف دیگر هم دارند کمربندهایشان را سفت می‌کنند. خرده‌فروشی‌های آنلاین را که نگو...

۵ خرده‌فروش عزیز! یادت هست درست سر سیاه کرنا، وقتی همه داشتند با مخ ته چاه ویل ورشکستگی و ورشکستگی و بدبختی می‌رفتند، شما عزیز دل با دمت گردو می‌شکستی و خرم و خندان روزی سه نوبت کسب‌وکار را توسعه می‌دادی؟ هر چقدر هم توسعه می‌دادی پاره نمی‌شد. اما امروز انگار اتفاق دیگری افتاده است.

۶ خب به قول قدیمی‌ها همیشه خر خرما صادر نمی‌کند و قرار نیست تا آخر دنیا خرده‌فروش‌های آنلاین دنیا از آمازون تا بست‌بای، هر روز انبارهایشان را توسعه بدهند و همه را هم بچپانند توی آستین... ببخشید صندوق مشتری بیچاره، بله، این صندوق هم یک گنجایشی دارد.

بالاخره یک جا پاره می‌شود. مخصوصاً وقتی که قرار باشد جناب مشتری این زمستان هرچه دربیارد یا خرج گاز کند یا خرج کاپشن یا خرج شلغم برای درمان

سرماخوردگی. در واقع ماجرای جیک‌جیک مستان و فکر زمستان و این حرف‌ها شامل همه شده است. البته این را هم باید یادآوری کنیم که آمازون و علی‌بابا و ای‌بی و فلان و بیسار هیچ ربطی به ما ندارد و ما باید ببینیم توی این دوران دارد چه بلایی سر دیجی‌کالا می‌خورد



عبدالله
مقدمی



@moghaddamy0007

می‌آید. خب همین جاست که سرمان را بلند می‌کنیم و یک «وطنم ای شکوه پابرجا می‌خوانیم»، چون می‌بینیم در گزارش‌های بین‌المللی هیچ اشاره‌ای به مشکل انبارهای پر دیجی‌کالا نشده. می‌بینید بعضی وقت‌ها دیده‌نشده چقدر خوب است؟ به هر حال این طور که پیدا است ما باید برویم و نارنگی‌مان را بیاوریم و صفحه فروش دیجی‌کالا و ترب و تیمچه را بالا و پایین کنیم و خریدمان را انجام بدهیم. ظاهراً طمع ارزان شدن کالاها به واسطه پر شدن انبارها برای هرکسی باشد، برای نارنگی خورهای وطنی نیست و کماکان حتی جمعه سیاه هم برای ما در رنگ‌های متنوع‌تری عرضه خواهد شد.



از یخ‌زدگی شده اروپایی سر
داده است پوتین کاغذ و امضا را چر
گویند در اوکراین اهوی! گاز و ترمه
در مسئله گاز... عزیزم! گاز و ترمه



شماره ۶۷
۱۰ مهر ۱۴۰۱
سال دوم

شب‌نوشته‌های یک بچه نوآورا! (۶۰) آرامش پس از یک فحش آبدار

این گروه خودمان را گاهی بیش از خودم دوست دارم و پاره‌ای وقت‌ها از دست همه کلافه می‌شوم، اما این یکی دو روز گذشته بچه‌های گروه من را چیزی نزدیک به ۳۰ درصد کلافه کرده‌اند که می‌توانم با آن کنار بیایم، اما بیش از ۸۰ درصد خسته کرده‌اند که هیچ رقم زیر بارش نمی‌روم؛ حالا جمعش اگر از صد درصد بیشتر شده هم به من ربطی ندارد، باید از سمیرا و کامیار پرسید.

گرچه در این مورد سامان هم بی‌گناه نیست، همگی از جان مایه گذاشتند تا من ۱۱۰ درصد گرفتار شوم، همه اینها به کنار، آدم‌هایی را دیده‌ام که ۱۹۰ درصد اعصابم را واژگونه کرده‌اند، چنان که گاهی عمیقاً به فکر جست‌وجوی خوبی‌های کامیار هم



مهران امیری

mehranamiri@gmail.com

می‌افتم و توی دلم می‌گویم بچه‌ها ممنون که هستید! بالاخره بلانسبت ما یک گروه آدم‌های درس‌خوانده هستیم که نشسته‌ایم دور هم تا کاری بکنیم و دو قران پول از برخی جیب‌ها دربیاوریم و برود داخل جیب ما. گرچه نه زور می‌گوییم و نه دوز و کلک داریم و تنها پول خدمات‌مان را می‌گیریم، در این میان باید مقادیری پول زور و نازور، جور و ناجور هم خرج کنیم تا کارمان پیش برود؛ آگهی می‌دهیم چون چاره‌ای نداریم و باید دیده شویم، وسیله می‌خریم تا کارمان راه بیفتد، استخدام می‌کنیم چون زورمان نمی‌رسد همه کارها را خودمان بکنیم، مالیات می‌دهیم چون سنبه پرزور است و راه گریز نمانده، مابقی هم بقای وجود بقیه. اما در میان همه این کارهای خوشایند و ناگزیر و زوری و دل‌بخواه و بگذار بکنیم ببینیم چه می‌شود، کارهایی را نه فقط چون دل‌مان می‌خواهد، بلکه حتماً باید انجام دهیم. اصلاً مگر می‌شود بین مردم زندگی کنی و مسئولیت اجتماعی برای محیط زیست و سرمایه‌های ملی و همه این چیزهای خوشگل از جنس میراث‌گذشتگان و هدیه به آیندگان نداشته باشی؟ ولی من این روزها مانده‌ام که باید برای آموزش چیزهای ابتدایی و اولیه به برخی آدم‌ها هم کاری بکنیم آیا؟ مثلاً اگر برای کارها

به کسی برخورد کنی که درس‌هاش را نخوانده ولی دکتر شده، یا آن که مالک کسب‌وکار است ولی از آبدارچی شرکت‌شان ناشی‌تر است، یا کسی که کارشناس مسئول است ولی تنها نه گفتن را می‌شناسد و به اندازه جلبک آب‌پز هم خاصیت ندارد، چه وظیفه‌ای بر گردن ماست؟ می‌شود با توضیح و تشریح و بردباری و سکوت و این چیزها کاری کرد؟ یا باید جلوش بایستیم و حرف بزنیم یا مجادله کنیم یا یقه چاک بدهیم یا زبانم لال یک کار غیراخلاقی کنیم؟

حالا همین کامیار که من هر روز چند بار از دست شوخی‌هایش به دنبال دیوار محکم می‌گردم که سرم را به آن بکوبم، دیده که گرفتار چند نفری از همین قبیله شده‌ام، آمده کنار دستم نشسته و با حالتی که انگار یک روان‌درمانگر ماهر است، با آرامش حرف می‌زند و می‌گوید: «ببین عزیزم سخت‌گیر. خودت را درگیر نکن. سلامتت برای ما مهم است! اگر راحت می‌شوی داد بزنی تا فشار روانی‌ات تخلیه شود یا یک کار دیگر که دلت می‌خواهد.»

توی این چند دقیقه‌ای که کامیار رفته دارم حس می‌کنم که آرامش پس از یک فحش آبدار چقدر دلنشین است!